فرهنگ نامهٔ

کهانی

محمدی ری شهری

فارسی ـ عربی

مترجم

سید رضا حسینی



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

فرهنگ نامه مهمانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۲۵-
عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ‌نامه مهمانی / محمدی‌ری‌شهری ؛ مترجم حمیدرضا شیخی.
مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص.
فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۲۲۱.
شابک : ۱۶۰۰۰ ریال : 978-964-493-548-0
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۱۵- ۱۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : آداب معاشرت اسلامی -- احادیث
موضوع : آداب معاشرت اسلامی -- جنبه های قرآنی
شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷-، مترجم
رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ /آ۴۴م۳۴ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۱
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۵۵۷۹۳

پیش گفتار

فرهنگ نامه ، کتابی است که در آن ، دانش ، فرهنگ ۱ و حکمت باشد و فرهنگ نامه مهمانی ، قطره ای از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مَدخَلی ۲ دیگر از دانش نامه قرآن و حدیث است که به صورت مستقل ، منتشر می شود . در این دانش نامه ، واژه ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث ، کاربرد فرهنگی گسترده ای دارند ، به ترتیب الفبایی ، با نظمی نوین و با ذکر نمونه کاربردها (شواهد) ، معناشناسی و تحلیل و تبیین می گردند . در لابه لای این دانش نامه ، برخی مَدخل ها ، از کاربرد فرهنگی ویژه و بَسامد استفاده بالایی برخوردارند . بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه های خاصّی از آنان ، به صورت شبانه روزی و گسترده ، با آنها ، سر و کار دارند . از این رو ، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومیِ جوامع

---

1. فرهنگ : علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده کلّی پیچیده ای از آداب ، رسوم ، اندیشه ، هنر و شیوه زندگی که در طیّ تجربه تاریخی اقوام ، شکل می گیرد و قابل انتقال به نسل های بعدی است (ر . ک : لغت نامه دهخدا ، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن) . 2. در دانش نامه ها ، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله ای) در ذیل خود دارد ، «سَرواژه» یا «مَدخَل» می گویند . به مجموع سرواژه و توضیح ، بر روی هم ، نیز «مدخل» گفته می شود (ر. ک : فرهنگ بزرگ سخن) .

اسلامی ، ضروری است معارف مربوط به این گونه واژه ها و اصطلاحات ، به صورت «کتابِ همراه» و «کتاب راه نما» ، در اختیار همگان قرار گیرد .
با این نگاه ، مَدخَل هایی از این دست ـ که گفتیم ـ ، به صورت کتاب هایی مستقل و در اندازه هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد ، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرند .
گفتنی است که در این سلسله آثار ، برای آنچه مربوط به رفتار یا احوال خاص است (مانند : ادب ، اذان ، شادی و آرزو) ، نام «فرهنگ نامه» و برای آنچه مربوط به گروه های اجتماعی (مانند : کارگران ، بسیجیان ، جوانان و کودکان) می شود و یا آموزه های حکیمانه پیشوایان بزرگ اسلام یا حکمای بزرگ الهی (چون لقمان حکیم) را ارائه می نماید ، نام «حکمت نامه» را برگزیدیم .
فرهنگ نامه مهمانی ، هفتمین کتاب ۱ از مجموعه فرهنگ نامه هایی است که با هدف تصحیح و تقویت فرهنگِ ارزش های رفتاری ، در دست تدوین

اند .
این فرهنگ نامه ، برای نخستین بار ، رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را درباره ارزش فرهنگ مهمان نوازی و آدابی که رعایت آن بر مهمان و میزبان ضروری است ، به صورتی نسبتا جامع و با نظمی نوین ارایه می نماید .
شایان ذکر است که متون این مجموعه ، با همکاری محقّقانِ «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» گردآوری و توسط این جانب ، تنظیم گردیده است .
---
1. تاکنون ، فرهنگ نامه های : ادب ، اذان ، آرزو ، مسجد ، بصیرت ، و امنیت ملّی ، منتشر شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته اند.

از آن بزرگواران و دیگر همکارانی که در ساماندهیِ نهایی این اثر سهیم هستند ، بویژه فاضل ارجمند ، جناب آقای مرتضی خوش نصیب ، صمیمانه سپاس گزارم و از خداوند منّان برای آنان پاداشی در خور فضل و کرامتش ، مسئلت دارم .
ربّنا! تقبّل منّا إنّک أنت السّمیع العلیم .
محمّدی ری شهری
شانزدهم اردی بهشت ماه ۱۳۸۹
بیست و یکم جمادی الاُولی ۱۴۳۱

واژه شناسی «ضیافت (مهمانی)»

واژه «ضیافت» ، از ریشه «ضیف» است و در اصل ، دلالت بر انحراف و تمایل و نزدیک شدن چیزی به چیز دیگر دارد . ابن فارس در این باره آورده :
ضا و یا و فا ، یک اصل صحیح است که دلالت بر تمایل چیزی به چیزی دارد . گفته می شود : أضفت الشی ء إلی الشی ء ؛ یعنی چیزی را به دیگری متمایل کردم . ۱
راغب نیز در مفردات ، همین معنا را تأیید می کند :
اصل ضیف ، رو کردن و تمایل است . گفته می شود : به فلان چیز رو کردم ، یا فلان چیز را به فلان چیز متمایل کردم . خورشید به سمت غروب کردن ، متمایل شد . ۲
از آن جا که معمولاً میزبان ، با رو کردن و تمایل به مهمان ، از او پذیرایی می کند ، این گونه گردهمایی ، مهمانی نامیده می شود . ۳
---
1. معجم مقاییس اللغة : ج ۳ ص ۳۸۱ . 2. مفردات ألفاظ القرآن : ص ۳۰۰ . 3. مهمانی : گردهمایی خانوادگی یا دوستانه ای که معمولاً شخصی به عنوان میزبان ،عهده دار پذیرایی است (فرهنگ بزرگ سخن) .

مهمان نوازی در اسلام

ضیافت ، مهمانداری و مهمان نوازی ، دست و دل باز بودن و سفره ای گشوده داشتن ، نشانه جوان مردی و یکی از برجسته ترین ارزش های انسانی و مکارم اخلاقی است .
اسلام ـ که دین تکامل ارزش های اخلاقی است ـ نیز اهتمام ویژه ای به این خصلت والای انسانی دارد و پیشوایان این آیین آسمانی ، با تعبیرهای گوناگون و تنبّه آفرین ، مسلمانان را به آن ، توصیه و تشویق کرده اند .
از نظر روایات اسلامی ، مهمان نوازی ، یکی از برترین مکارم اخلاقی است که در آن ، مهمان ، نه تنها روزیِ خود را می آورد ۱ و از روزیِ انسان نمی کاهد ، بلکه بر آن نیز می افزاید . مهمانی اگر با قصد قربت انجام شود ، در کنار دیگر عوامل خوش بختی ، نقش مؤثّری در رهایی از سختی های قیامت و ورود به بهشت جاوید دارد .
برعکس ، خودداری از پذیرفتن مهمان ، نشانه قساوت قلب انسان ، و کوچ کردن خیر و برکت از خانه ای است که در آن زندگی می کند . گفتنی است که هر چند مهمان نوازی به طور مطلق در اسلام پسندیده است ، با این حال ، در مواردی ، توصیه و تأکید بیشتری بدان شده است ، مانند : ازدواج ، تولّد نوزاد ، عقیقه برای فرزند ، ختنه کردن پسر ، تهیه خانه جدید ، و بویژه بازگشت از سفر حج .
---
1. در ضرب المثل های فارسی نیز آمده : «مهمان خودیم ، لیک در خانه تو» ؛ «مهمان ، روزی خود را می آورد» ؛ «رزق خویش به دست تو می خورد» (امثال وحکم ، دهخدا : ج ۴ ص ۱۷۶۴) .

با تأمّل در این موارد و سایر مواردی که اطعام دیگران ، مورد تأکید قرار گرفته ، می توان دریافت که در همه مواردی که خداوند متعال ، نعمت خاصی را به انسان ارزانی داشته و یا بلایی را از او دفع کرده و یا اطعام دیگران آثار و برکات بیشتری دارد (مانند افطاری دادن در ماه رمضان ، و یا مراسم عزاداری سید الشهدا امام حسین علیه السلام) ، مهمانی ، از فضیلت بیشتری برخوردار است .

تصحیح و توسعه فرهنگ ضیافت

اشاره

در روایات اسلامی ، افزون بر تشویق و تأکید فراوان بر فرهنگ مهمان نوازی ، رهنمودهای بسیار ارزنده ای در جهت تصحیح و تقویت این فرهنگ ارائه شده است که می توان آن ها را به دو دسته تقسیم کرد

یک . آداب میزبان

اشاره

در فصل دوم و سوم این کتاب ، از آداب متعدّدی سخن گفته که مربوط به میزبان است . دسته نخست از این آداب ، مواردی را شامل می شود که شایسته است میزبان به آنها عمل کند . این آداب ، عبارت اند از :

۱ . گرامی داشت مهمان؛
۲ . خوش رویی و ابراز محبّت؛
۳ . مقدّم داشتن مهمان؛
۴ . خدمت به مهمان؛
۵ . در اختیار نهادن آنچه مهمان نیاز دارد؛
۶ . پذیرایی کردن با بهترین چیزی که دارد؛
۷ . نیکو پذیرایی کردن؛
۸ . فرمانبری؛
۹ . کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده؛
۱۰ . زودتر شروع کردن غذا و دیرتر دست کشیدن از آن؛
۱۱ . صرف غذا با مهمان؛
۱۲ . تعارف کردن مهمان به خوردن؛
۱۳ . بدرقه کردن مهمان تا در خانه .

دسته دوم ، شامل مواردی است که میزبان ، با ترک آنها ادب خود را به اثبات می رساند . این موارد ـ که در فصل سوم آورده شده ـ ، عبارت اند از :

۱ . خودنمایی و شهرت طلبی؛
۲ . ناقابل شمردن امکانات پذیرایی؛
۳ . تشریفات مشقّت بار؛
۴ . تعارف دروغین؛
۵ . به کارگرفتن مهمان؛
۶ . روزه گرفتن ، بدون اجازه مهمان؛
۷ . کمک کردن در رفتن مهمان .

گفتنی است که همه این آداب ، در حقیقت ، به دو اصل اساسی باز می گردند :

۱ . تکریم مهمان

بیشتر آدابی که بدان اشاره شد ، در واقع ، جلوه های تکریم مهمان و احترام نسبت به اوست .
این اصل ، تا آن جا از نظر پیشوایان اسلام اهمیت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام می فرماید :
أکرِمِ الضَّیفَ ولَو کانَ کافِرا . ۱ مهمان را گرچه کافر باشد ، گرامی بدار .
شایان ذکر است که در میان همه اموری که گرامی داشت مهمان شمرده شده ، خوش رویی و ابراز مهر و محبّت نسبت به مهمان ، جایگاه ویژه ای دارد . در واقع ، بدون رعایت این اصل ، همه تلاش های میزبان برای گرامی داشت مهمان ، بی ثمر خواهد بود . لذا در روایتی از امام علی علیه السلام آمده :
وَجهٌ مُستَبشِرٌ خَیرٌ مِن قَطوبٍ مُؤثِرٍ . ۲ چهره گشاده ، از تُرش رویِ ایثارکننده ، بهتر است .
این سخن ، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که ایثار و مقدّم داشتن دیگران بر خود ـ که به مراتب از مهمانی ، ارزشمندتر است ـ ، اگر با خوش رویی همراه نباشد ، ارزشی ندارد ، چه رسد به مهمانی .

. ر . ک : ح ۶۶ . 2. غرر الحکم : ج ۶ ص ۲۲۶ ح ۹۰۰۸۴ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۵۰۴ ح ۹۲۵۱ ،دانش نامه میزان الحکمه : ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۵۶ .

۲ . پرهیز میزبان از رفتارهای غیر اخلاقی

هر چند احترام کردن و بزرگداشت مهمان ، کاری بسیار شایسته است ، با این حال ، باید دانست همه اموری که از نظر برخی ، گرامیداشت مهمان محسوب می شوند ، در اسلام پسندیده نیستند ؛ بلکه از نظر اسلام ، تکریم مهمان در محدوده ارزش های اخلاقی ، مطلوب است . برای مثال ، تلاش هایی که گاه در تهیه امکانات پذیرایی بهتر ، با انگیزه خودنمایی و شهرت طلبی صورت می گیرد ، از آن رو که کاری غیر اخلاقی است ، از نظر اسلام به شدّتْ نکوهیده است .
نکته بسیار مهمی که یادآوری آن ضروری است ، این که آداب میزبانی ، منحصر به مواردی نیست که در روایات اسلامی بدانها اشاره شده است؛ بلکه به طور کلی ، همه اقداماتی که در میان اقوام مختلف برای تکریم مهمان مرسوم است ، در صورتی که از چارچوب ارزش های اخلاقی و شرعی ، پا را فراتر ننهد ، مورد تأیید و تأکید اسلام است.

دو . آداب مهمان

اشاره

در فصل چهارم و پنجم این کتاب ، آداب متعدّد دیگری بیان شده که مربوط به مهمان است . این آداب نیز به دو دسته تقسیم می شوند . دسته نخست ، اموری هستند که سزاوار است مهمان ، آنها را انجام دهد که عبارت اند از:

۱ . پذیرش دعوت مؤمن؛
۲ . رِعایت اولویّت ها در پذیرش دعوت به مهمانی؛
۳ . کُندی ورزیدن در پذیرفتن مهمانی های غفلت زا؛
۴ . مقدّم داشتن دعوتی که یادآور آخرت است؛
۵ . شرط کردنِ پرهیز از تکلّف و تشریفات؛
۶ . اجازه گرفتن برای ورود به خانه میزبان؛
۷ . سلام کردن هنگام ورود به خانه؛
۸ . نشستن در جایی که میزبان پیشنهاد می کند؛
۹ . احترام پذیری؛
۱۰ . گشودن روزه مستحبّی؛
۱۱ . خوب خوردن؛
۱۲ . اقتدا به صاحب خانه در نماز؛
۱۳ . دعا کردن برای میزبان؛
۱۴ . ترک کردن مهمانی پس از صرف غذا؛
۱۵ . پاسداری از کرامت خود با رعایت مدّت اقامت .

دسته دوم ، اموری هستند که مهمان باید از انجام دادن آنها سر باز زند و ترک آنها نشانه ادب مهمان است که عبارت اند از :

۱ . شرکت کردنِ بدون دعوت در مهمانی دیگران؛
۲ . حضور در مهمانی ویژه ثروتمندان؛
۳ . حضور در مهمانی برپاشده با انگیزه همچشمی؛
۴ . پذیرش مهمانی اهل ساز و آواز؛
۵ . پذیرش مهمانی مشرک ، منافق و فاسق؛
۶ . واداشتن میزبان به تکلّف و تشریفات؛
۷ . دیگری را همراه خود به مهمانی بردن؛
۸ . روزه مستحبّی گرفتن ، مگر با اجازه میزبان؛
۹ . ناچیز شمردن امکانات میزبان؛
۱۰ . پرس و جو در باره حلال بودن غذا .

با دقت در موارد یاد شده ، به روشنی معلوم می شود که همه این آداب ، در واقع ، به سه اصل زیربناییِ زیر بازگشت می نمایند:

۱ . تکریم میزبان

رعایت حقوق دو جانبه مهمان و میزبان ، ایجاب می نماید که مهمان نیز متقابلاً صاحب خانه را تکریم نماید . بخشی از آداب مورد اشاره ، در واقع گرامی داشت میزبان محسوب می شوند ، مانند : پذیرفتن دعوت او ، سلام کردن هنگام ورود و دعا کردن برای صاحب خانه و ...

۲ . پرهیز از ایجاد زحمت

حکمت تأکید اسلام بر مهمان نوازی ، نزدیک کردن هر چه بیشترِ دل ها و حاکم ساختن صفا و صمیمیت در جامعه است . از آن جا که پذیرایی از مهمان ، در صورتی که با زحمت همراه باشد ، با این حکمتْ منافات دارد ، بخشی از رهنمودهایی که در روایات اسلامی برای مهمانی ارائه شده ، جهت پیشگیری از مزاحمت است ، مانند : وادار نکردنِ میزبان به تشریفات ، بلکه پرهیز دادن وی از تکلّف و انجام تشریفات ، بدون دعوت به مهمانی نرفتن و اجتناب از توقّف طولانی و ملال آور در منزل میزبان .
به طور کلی می توان گفت که مهمان باید شرایط خاص و موقعیت های ویژه میزبانِ خود را در نظر بگیرد و از هر چیزی که موجب دردسر گردد، دوری نماید .
چه بسا موقعیت میزبان و گاه فرصت او ایجاب می کند که پس از صَرف غذا ، خداحافظی کند ، چنان که قرآن کریم در مورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مسلمانان توصیه می فرماید که پس از صرف غذا با او خداحافظی کنند و به گفتگو ننشینند . ۱ گاه لازم است که مهمان پس از صرف غذا ، مدّتی توقّف کند ؛ ولی باید توجّه داشته باشد که توقف بلند مدّت ، ملال آور است و کرامت و عزّت مهمان را سلب می نماید .

---

1. ر . ک : احزاب : آیه ۵۳ .

میهمان ، سختْ عزیز است ، ولی همچو نفسخفقان آرد اگر آید و بیرون نرود . ۱
در هر حال ، چنان که در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده ، حداکثر مهمانی ، سه روز است . در مَثَل های فارسی هم آمده که : «مهمان ، تا سه روز عزیز است» . ۲ من این جا دیر ماندم ، خوار گشتمعزیز از ماندن دائم شود خوار چو آب اندر شَمَر، ۳ بسیار مانَدشود طعمش بَد از آرامِ بسیار. ۴

---

1. امثال و حکم ، دهخدا : ج ۴ ص ۱۷۶۴ (ذیل واژه «مهمان») . 2. همان : ص ۱۷۶۳ «مهمان» . 3. شَمَر : حوض ؛ حوض کوچک و تالاب (لغت نامه دهخدا ، ج ۹ ص ۱۲۷۵۳) . 4. امثال و حکم ، دهخدا : ج ۴ ص ۱۷۶۳ .

۳ . پرهیز از حضور در مهمانی های نکوهیده

سومین اصل اساسی ـ که رعایت آن برای مهمان لازم است ـ ، پرهیز از پذیرش دعوت به مهمانی های نکوهیده و ضد ارزشی است ، مانند:
مهمانیِ کسانی که انحراف اعتقادی و یا اخلاقی دارند ؛ زیرا معاشرت با آنها انسان را در معرض ابتلا به انحرافات آنان قرار می دهد .
یا مهمانی کسانی که اهل لهو و لعب و ساز و آواز و برپاییِ مجالس گناه اند و یا مهمانی هایی که با انگیزه رقابت ، همچشمی ، خودنمایی و فخرفروشی برگزار می شود ؛ چرا که چنین اخلاق ناپسندی ، موجب دشمنی ، و آفت خطرناک آسایش و آرامشِ زندگی است .
از همین قبیل است مهمانی هایی که ویژه ثروتمندان است ؛ زیرا این گونه نشست ها ، نمونه بارز امتیازات طبقاتی ، و نقطه مقابل آموزه های اسلام است که ملاک برتری انسان ها را تقوا و ارزش های اخلاقی و عملی می داند ، نه ثروت و قدرت و موقعیت های سیاسی و اجتماعی .
در تکمیل این مبحث ، نکته دیگری نیز شایان توجّه است که شرکت در برخی مهمانی ها به خودی خود ، نکوهیده نیست ؛ لیکن گاه شرایطی پیش می آید که موجب نکوهیده شدن آن می گردد . مثلاً در برخی از روایات ، آمده که اگر دو تن از همسایگان ، هم زمان ، همسایه دیگری را به مهمانی دعوت کردند ، پذیرش دعوت همسایه ای که نزدیک تر است ، اولویت دارد ؛ امّا اگر دعوت آنها هم زمان نباشد، دعوت کسی که زودتر پیشنهاد داده ، مقدّم است .
همچنین در برخی روایات آمده که اگر هم زمان ، به مهمانی و مراسم تشییع جنازه ، دعوت شُدید ، اولویت ، رفتن به مراسم تشییع جنازه است ؛ زیرا شرکت در این مراسم ، بیشتر یاد جهانِ پس از مرگ را در دل ها زنده می کند . پیداست در چنین مواردی ، شرکت کردن در مهمانی ای که فاقد اولویت است ، کار شایسته ای محسوب نمی شود .
با در نظر گرفتن مواردی که بدان اشاره شد ، می توان به این نتیجه رسید که از نظر اسلام ، به طور کلی ، شرکت در مهمانی هایی که موجب آلودگی های اعتقادی ، اخلاقی و عملی است ، و یا با کار مهم تری در تعارض است پسندیده نیست و مورد نکوهش واقع شده است . لذا شخص مؤمن نباید این گونه دعوت ها را بپذیرد .
البته باید توجّه داشت که شرکت در مهمانی های آلوده به گناه ، گناه محسوب می شود ؛ ولی شرکت در مهمانی ای که در تعارض با کاری مهم تر است ، هر چند نکوهیده شمرده شده ، ولی گناه نیست.
آخرین سخن این که برپایه آموزه هایی که از این پس خواهد آمد ، در

پذیرفتن دعوت به عروسی ها و دیگر مهمانی هایی که به دلیل چشمگیر بودن نمودهای دنیاگرایی ، زمینه غفلت زدگی در آنها فراهم است ، نباید شتاب کرد ؛ بلکه سزاوار است تا با کُندی و درنگ ، چنین دعوت هایی مورد پذیرش قرار گیرد تا از یک سو انسان ، کمتر گرفتار غفلت گردد و از سوی دیگر ، از آفات احتمالیِ این گونه مجالس ، در امان ماند . امّا در اجابت دعوت برای شرکت در مجالسی که بر دانش و معرفت و معنویت انسان می افزاید و یادآور خدا و آخرت است باید شتاب نمود و از برکات آنها هر چه بیشتر بهره بُرد

فصل یکم : تشویق به مهمان نوازی

۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از مهمان پذیرایی نمی کند ، مگر آن که مؤمن است. مهمان نوازی ، از مکارم اخلاق است. ۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چیزی زکاتی دارد، و زکات خانه، اتاق مهمانی است. ۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ـ به سائب بن عبد اللّه ، وقتی او را در روز فتح مکّه ، نزد ایشان آوردند ـ : ای سائب! بنگر که در دوران جاهلیت ، چه اخلاقی [پسندیده]داشته ای، در اسلام نیز آنها را به کار ببند : مهمان نواز باش ؛ یتیم را گرامی بدار ؛ و به همسایه ات نیکی کن .
۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (ـ به عبد اللّه بن عبّاس ـ) : نماز را به پا دار... و مهمان را گرامی بدار ! ۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس زکات بدهد و از مهمان پذیرایی کند و در گرفتاری ها ببخشاید ، از بُخل ، در امان مانده است . ۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از جمله مکارم اخلاق، مهمان نوازی است . ۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امّت من همواره در خیر و خوبی اند تا زمانی که یکدیگر را دوست بدارند... و مهمان نواز باشند . ۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در میان مردم... همانند مردی که ... مهمانش را گرامی می دارد و حقوقش را می پردازد، وجود ندارد. ۹.تاریخ دمشق (ـ به نقل از ابو الأحوص ، از پدرش ـ) : [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : ای پیامبر خدا ! بر مردی می گذرم و او مرا مهمان نمی کند و از من پذیرایی نمی نماید . سپس او بر من می گذرد . آیا مقابله به مثل کنم یا از او پذیرایی نمایم؟ فرمود: « از او پذیرایی کن » . ۱۰.امام صادق علیه السلام (ـ از پدرانش علیهم السلام ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر گوری گذر کرد که شخص گورکن ، نفس نفس زنان مشغول حفر کردن آن بود . به او فرمود : « این گور را برای که می کَنی ؟» . گفت : برای فلان ، پسر فلان . حضرت فرمود : « چرا کندن زمین بر تو سختی می نماید ؟ تا جایی که من می دانم، اگر او نرم دل و خوش اخلاق بود، هر آینه ، زمین برایش نرم می شد تا جایی که با دستانش آن را می کَند » . سپس فرمود : « او مهمانداری را دوست داشت . مهماندار نیست مگر مؤمنِ پرهیزگار » .
۱۱.امام علی علیه السلام :از برترین مکارم اخلاق، به دوش گرفتن تاوان ها و بدهکاری ها [ی دیگران] است و گرامی داشتن مهمانان. ۱۲.امام علی علیه السلام :جوان مردی ، عبارت است از: پراکندن نیکی ، و گرامی داشتن مهمان. ۱۳.امام علی علیه السلام :نیکی کردن، فریادرسیِ ستمدیده، و مهمانداری ، ابزارهای مهتری اند . ۱۴.امام علی علیه السلام :مهمانداری ، سرمنشأ جوان مردی است . ۱۵.امام علی علیه السلام :روزه

گرفتن در تابستان، پذیرایی از مهمان، و شمشیر زدن در راه خداوند ، مورد علاقه من اند . ۱۶.امام علی علیه السلام (ـ بخشی از گفتار ایشان در بصره ، آن گاه که به عیادت علاء بن زیاد حارثی رفت و چشمش به خانه گسترده او افتاد ـ) : این خانه فراخ در دنیا به چه کار تو می آید ، وقتی در آخرتْ به چنین خانه ای محتاج تری ؟ آری ، اگر بخواهی می توانی به وسیله این خانه ، به آخرت دست یابی ، در آن مهمانداری کنی ، به خویشاوندانت رسیدگی نمایی و حقوق آنها را بپردازی . در این صورت ، به وسیله این خانه ، به آخرتْ دست یافته ای .
۱۷.إرشاد القلوب:می گویند: روزی امیر مؤمنان علیه السلام گریه کرد . سبب گریه اش را از او پرسیدند . فرمود : « هفت روز است که مهمانی بر ما وارد نشده است » . ۱۸.امام صادق علیه السلام :ابراهیم علیه السلام بسیار مهمان نواز بود ، به گونه ای که اگر یک روز مهمانی نزدش نبود ، در جستجوی مهمان ، بیرون می رفت و درِ خانه اش را می بست و کلیدها را بر می داشت تا این که مهمان می جُست . ۱۹.امام صادق علیه السلام :مهمانداری ، از سنّت است . ۲۰.الکافی (ـ به نقل از حسین بن عطیّه ، از امام صادق علیه السلام ـ) : مکارم اخلاق ، ده تاست . پس اگر توانستی آنها را در خود داشته باشی، چنان باش؛ زیرا این خصلت ها ، گاه در شخصی هستند و در فرزند او نیستند، و گاه در فرزند هستند و در پدرش نیستند، و گاه در برده هستند و در آزاد نیستند. گفته شد : آنها چیستند ؟ فرمود: « راستیِ نومیدی [و قطع طمع و امید از آنچه مردم دارند] ، راستیِ زبان ، امانتداری ، صله رحم ، مهمان نوازی... » . ۲۱.امام صادق علیه السلام (ـ به داوود بن سَرحان ـ) : ای داوود ! مکارم اخلاق ، به یکدیگر پیوسته اند . خداوند ، آنها را هر جا که بخواهد ، قسمت می کند. ممکن است در مرد باشند و در فرزندش نباشند، در برده باشند و در مولایش نباشند [که این خصلت های نیک ، عبارت اند از]: راستی در گفتار، راستی با مردم، ۱عطا کردن به سائل، تلافی کردن نیکی ها، امانتداری، به جا آوردن صله رحم، نیکی کردن به همسایه و دوست، مهمان نوازی، و بالاترین آنها حیا .

---

1. در مأخذ ، این گونه آمده است ؛ امّا در بحار الأنوار به جای «الناس» ، «البأس» آمده و «صدق البأس» ، به معنای شجاعت و دلاوری است.

۲۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مهمانی بر قومی وارد نمی شود ، مگر آن که روزی اش در دامن او باشد. ۲۳.امام کاظم علیه السلام :همانا کمک [خداوند] بر قومی ، به اندازه خرجشان نازل می شود، و مهمان ، هرگاه بر قومی فرود آید ، روزی اش نیز با او در دامنش فرود می آید. ۲۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه برای قومی مهمان بیاید ، روزی اش را نیز با خود از آسمان می آورد ، و هرگاه [آن مهمان] غذا بخورد ، خداوند، با فرود آمدن او بر آنان، گناهانشان را می آمرزد . ۲۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان ، با روزی اش بر قوم وارد می شود، و چون برود ، با همه گناهان آنها می رود.ر . ک : ص ۳۳ (برکت های مهمان داری / آمرزش گناهان) .

۱ / ۳ برکت های مهمان داری

۲۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که اطعام می کند ، سریع تر از فرو رفتن کارد در کوهان شتر ، به او روزی می رسد . ۲۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خانه ای که در آن اطعام می شود، سریع تر از فرو رفتن تیغ در کوهان شتر، برکت می رسد .

۲۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مهمانی نیست که بر قومی وارد شود ، مگر آن که روزی اش در دامان اوست . پس، چون فرود آید ، با روزی اش فرود می آید، و چون برود ، با گناهان آنها (میزبان) می رود .
۲۹.کنز العمّال (ـ به نقل از ابو قرصانه ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « هرگاه خدا بخواهد به بنده ای خیری برساند ، به او هدیه ای می دهد » . گفته شد : ای پیامبر خدا ! آن هدیه چیست؟ فرمود : « [آن هدیه ،] مهمان [است] که با روزی اش می آید، و چون می رود ، اهل منزل ، آمرزیده شده اند » .
۳۰.الکافی (ـ به نقل از ابو محمّد وابشی ـ) : نزد امام صادق علیه السلام از یاران ما یاد شد . گفتم : من هیچ گاه چاشت و شام نمی خورم ، مگر این که دو سه نفر از آنان یا کمتر و بیشتر ، با من هستند . امام صادق علیه السلام فرمود: «فضیلت آنها بر تو، بیشتر از فضیلت تو بر آنهاست». گفتم : قربانت گردم ! چگونه چنین است ، در حالی که من خوراکم را به آنها می خورانم، از مالم به آنها انفاق می کنم و عیالم را خدمت گزار آنها می سازم ؟ ! فرمود : « [چون] آنها زمانی که بر تو وارد می شوند ، همراه روزیِ فراوانی از سوی خداوند عز و جل وارد می شوند و آن گاه که می روند ، تو آمرزیده شده ای » . ۳۱.الکافی (ـ به نقل از حسین بن نعیم صحّاف ـ) : امام صادق علیه السلام فرمود : « ای حسین ! آیا برادرانت را دوست داری ؟ » . گفتم : بله . فرمود : « به تهی دستان آنها سود می رسانی ؟ » . گفتم : بله . فرمود : «آری . تو وظیفه داری کسی را که خدا را دوست دارد ، ۱ دوست بداری . آری ، به خدا سوگند ، تو به کسی از آنها سود نمی رسانی ، تا این که دوستش بداری . ۲ آیا آنها را به منزلت دعوت می کنی ؟ » . گفتم : بله . هیچ وقت غذا نمی خورم ، مگر آن که دو سه نفر یا کمتر و بیشتر از آنها با من هستند. امام صادق علیه السلام فرمود : « البته، آنها بر تو فضیلت بیشتری دارند تا تو بر آنها» . گفتم : قربانت گردم ! من آنها را اطعام می کنم و روی فرشم ۱ . یا: به رفع «اللّه »، یعنی خدا او را دوست دارد. ۲ . درباره معنای این جمله ، دو نظر است: یکی این که مراد امام صادق علیه السلام این است که ادّعای محبّت داشتن بدون سود رساندن ، ادّعایی دروغ است ؛ بلکه اگر در ادّعای دوست داشتنت صادق هستی ، باید به آنها سود برسانی. این ، نظر علّامه مجلسی است . أمّا ملّا صالح مازندرانی (شارح) ، گفته است: یعنی سود رساندن ، تابع دوست داشتن یا مستلزم آن است. یعنی تا دوست نداشته باشی ، سود نمی رسانی . مترجم ، این نظر را ترجیح می دهد ؛ چرا که ظاهر عبارت ، بر

همین معنا دلالت دارد . واللّه العالم ! می نشانم، آن گاه فضیلت آنها بر من بیشتر است ؟ ! فرمود : « آری ؛ چون آنها زمانی که به خانه ات می آیند ، برای تو و خانواده ات آمرزش می آورند و زمانی که می روند ، گناهان تو و خانواده ات را می بَرَند» . ر.ک : حدیث ۲۴ و ۲۵ و ۷۸ .

ج ـ رهایی از آتش دوزخ

۳۲.امام صادق علیه السلام (ـ از پدرانش علیهم السلام ـ) : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا ! من خوب وضو می سازم، نماز می خوانم، زکاتم را در وقتش می دهم و از مهمان ، با کمال میل و رضایت پذیرایی می کنم، و همه اینها را به خاطر خدا و ثواب الهی انجام می دهم. امام علیه السلام فرمود : « بَه بَه، بَه بَه ! جهنّم را بر تو راهی نیست . خداوند ، تو را از بخل ، پاک کرده است ، اگر به راستی چنین باشی » . ۳۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس برای مهمانش حیوانی قربانی کند، آن حیوان ، فدیه او از آتش است .ر.ک : حدیث ۷۶ .

د ـ بهشت

۳۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان، راهنمای بهشت است.
۳۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس نماز بخواند... و مهمان نوازی کند ، به بهشت می رود .
۳۶.تاریخ دمشق (ـ به نقل از ابو هریره ـ) : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : « آیا برایتان نگویم که چه چیز ، شما را به بهشت می برد ؟ » . گفتند : بله . فرمود: « شمشیر زدن، مهمانی دادن، اهمیّت دادن به اوقات نماز، وضوی شاداب گرفتن در شب سرد، و اطعام کردن خوراک ، با وجود علاقه خود به آن غذا » . ۳۷.امام صادق علیه السلام :هرکس مؤمنی را مهمانی دهد ، یا بخشی از نیازهای او را بر آورده کند ، بر خداوند است که در بهشت ، برای او خدمت گزاری بگمارد .ر.ک : حدیث ۷۹

۳۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه دادن در چهار مورد است : عروسی ؛ خُرس ، یعنی عقیقه کردن فرزند و طعام دادن ؛ اِعذار ، یعنی ختنه کردن پسر ؛ بازگشت ، یعنی این که مرد در بازگشت از سفرش ، برادران خود را دعوت کند ـ در روایتی دیگر آمده است : یا توکیر ، یعنی ساختن خانه، یا جز آن ـ . ۳۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه دادن ، جز در پنج مورد نیست : در عُرس ، خُرس ، عِذار ، وِکار ، و رِکاز . عُرس ، یعنی ازدواج؛ خُرس: تولّد فرزند؛ عذار: ختنه؛ وکار: خرید خانه؛ رِکاز: بازگشت از مکّه. ۴۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (ـ آن گاه که علی علیه السلام از فاطمه علیهاالسلام خواستگاری کرد ـ) : ای علی !... برای عروسی ، باید ولیمه داد . ۴۱.تاریخ دمشق (ـ به نقل از بریده ـ) : هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام را همسر داد ، (به او) فرمود: « برای عروسی ، باید ولیمه داد » . سپس دستور داد که قوچی را سر بریدند و همه را به آن دعوت کرد . ۴۲.سنن أبی داوود (ـ به نقل از انس بن مالک ـ) : پیامبر صلی الله علیه و آله برای [ازدواج با] صفیّه، تلخان ۱ و خرما ولیمه داد . ۴۳.مسند ابن حنبل (ـ به نقل از انس ـ) : پیامبر صلی الله علیه و آله چون با زینب دختر جحش عروسی کرد، ولیمه داد، پس ما را با نان و گوشت اطعام کرد . ۴۴.امام صادق علیه السلام :مهمانی گرفتن ، جز در چهار مورد ، واجب نیست: عروسی، تولّد فرزند، بازگشت [از سفر یا سفر مکّه]، و ختنه کردن. ۴۵.دعائم الإسلام (ـ به نقل از امام صادق علیه السلام در روایتی که ایشان به ولیمه دادنْ امر می کرد ـ) : آن در چهار مورد است: عروسی، تولّد فرزند، ختنه کردن، و بازگشت از سفر. ۴۶.الکافی (ـ به نقل از علی بن حکم ، از یکی از راویان شیعه ـ) : ابو الحسن موسی علیه السلام برای یکی از فرزندانش ۲ ولیمه داد . ایشان ، سه روز ، دیگ های پالوده به پا کرد و مردم مدینه را در مساجد و کوچه ها اطعام نمود. برخی [یا: یکی]از مردم مدینه بر این کار امام علیه السلام خرده گرفتند . این خرده گیری ، به گوش امام رسید . پس فرمود : « خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبران ، چیزی نداد مگر این که مانند آن را به محمّد صلی الله علیه و آله نیز داد ؛ امّا افزون بر آنها به او چیزی داد که به ایشان نداد . به سلیمان علیه السلام فرمود : « این ، بخشش ماست . [آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار » . ولی در حقّ محمّد صلی الله علیه و آله فرمود: «و آنچه را فرستاده [او]به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید» » .

---

1. سَویق ـ که در متن حدیث آمده ـ : تلخان ، پست، قاووت ، آرد بو داده گندم یا جو یا نخود یا سیب و مانند اینها که با شکر درآمیزند . 2. ظاهرا به مناسبت تولّد او بوده است.

۴۷.امام رضا علیه السلام :نجاشی ، چون آمنه دختر ابو سفیان را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری نمود و او را به عقد ایشان درآورد ، مهمانی داد و گفت: یکی از سنّت های پیامبران ، اطعام کردن هنگام ازدواج است. ۴۸.امام رضا علیه السلام :خداوند ، شب را مایه آرامش قرار داد و زنان را نیز مایه آرامش، و از سنّت است عروسی کردن در شب و اطعام کردن . ۴۹.مسند ابن حنبل (ـ به نقل از جابر ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « حجّ پذیرفته شده ، پاداشی جز بهشت ندارد » . گفتند : ای پیامبر خدا ! حج پذیرفته شده چیست ؟ فرمود : « اطعام دادن و سلام کردن به همگان » .

«پس رفتند تا به اهل قریه ای رسیدند. از مردم آن جا خوراکی خواستند، و [لی آنها]از مهمان نمودن آن دو ، خودداری کردند. پس در آن جا دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد و [بنده ما]آن را استوار کرد. [موسی]گفت: «اگر می خواستی [می توانستی]برای آن مزدی بگیری »» .
حدیث ۵۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در کسی که مهمان نوازی نمی کند، خیری نیست. ۵۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در کسی که از مهمان پذیرایی نمی کند، خیری نیست. ۵۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بد قومی هستند آن قومی که مهمان را پذیرایی نمی کنند ! ۵۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر خانه ای که مهمان به آن وارد نشود، فرشتگان ، وارد آن خانه نمی شوند. ۵۴.الکافی (ـ به نقل از عبد اللّه بن محمّد جعفری ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ هایش مشغول نماز بود که کاروانی بر او گذشتند . کاروانیان ، نزد یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایستادند و احوال پیامبر صلی الله علیه و آله را از آنها پرسیدند و دعا و ثنا کردند و گفتند : اگر عجله نداشتیم ، حتما منتظر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می ماندیم . پس سلام ما را به ایشان برسانید ، و رفتند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خشمناک آمد و به یارانش فرمود : « کاروان ، نزد شما می ایستد و احوال مرا از شما می پرسند و به من سلام می رسانند و شما آنها را به صرف چاشتْ دعوت نمی کنید ! امکان نداشت که دوستم جعفر ، در جمعی باشد و کاروانی بر او بگذرد ، بدون آن که نزد وی غذایی تناول کنند ! ۱ «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَ لِکَ فَهِیَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» ـ

---

1. یعنی اگر جعفر در میان شما بود ، قطعا چنین کاری نمی کرد .

۵۵.امام عسکری علیه السلام (ـ در باره این فرموده خداوند متعال:) : خداوند عز و جلمی فرماید : « ای گروه یهود! دل های شما خشک شده است ، همانند سنگ سخت ، که هیچ نَمی از آنها نمی تراود » . یعنی شما نه حقّ خدا را ادا می کنید ... و نه از مهمان پذیرایی می نمایید .

فصل دوم : آنچه شایسته میزبان است

۵۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای ابوذر! باید در هر کاری ، نیّتی پاک داشته باشی ، حتّی در خوابیدن و خوردن. ۵۷.امام علی علیه السلام :نیّت خوب، خود ، یک عمل است. ۵۸.امام علی علیه السلام :غایت یقین، اخلاص است .ر . ک : ص ۸۵ (آنچه شایسته میزبان نیست / خودنمایی و شهرت طلبی) .

۵۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از حقوق مهمان ، این است که گرامی داشته شود و [حتّی]برایش خلال دندان آورده شود.
۶۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی بدارد. ۶۱.مسند ابن حنبل (ـ به نقل از ابو سعید خِدری ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد ، باید مهمانش را گرامی بدارد » ـ سه بار این جمله را فرمود ـ . ابو سعید گفت : گرامیداشت مهمان چگونه است ، ای پیامبر خدا ؟ فرمود : « سه روز است ؛ بعد از آن ، هر چه بمانَد ، برایش صدقه است » . ۶۲ ۱.صحیح البخاری (ـ به نقل از ابو شُرَیح عدوی ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ـ) : کسی که به خدا و روز آخرتْ ایمان دارد ، باید مهمانش را نیکو هدیه دهد . ابو شریح گفت : هدیه او چیست ، ای پیامبر خدا ؟ ! فرمود : [پذیرایی کامل] یک شبانه روز . و مهمانی ، سه روز است [وبیش از آن ، صدقه ای است از سوی میزبان] » . ۶۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد ، باید از مهمانش به خوبی پذیرایی کند . ۶۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان را گرامی بدارید و مهمان نواز باشید؛ زیرا او (مهمان ،) نخستین کسی است که جبرئیل ، روزی اش را با روزیِ اهل خانه می آوَرَد. ۶۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که مهمانش را گرامی نمی دارد ، از [پیروان]محمّد و ابراهیم نیست .
---
1. یعنی پذیرایی از او ، صدقه و احسان به شمار می آید که صاحب خانه ، اگر خواست ، آن صدقه را می دهد و پذیرایی می کند و اگر نخواست ، پذیرایی از مهمان بر او لازم نیست .

۶۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای علی ! ... مهمان را گرامی بدار ، اگرچه کافر باشد . ۶۷ ۱.امام علی علیه السلام :مهمانت را گرامی بدار ، اگر چه حقیر باشد . ۶۸.امام علی علیه السلام (ـ در وصیّتش به فرزندش حسن علیه السلام در هنگام وفات ـ) : پسرم ! سفارش می کنم تو را به خواندن نماز در وقتش... و گرامی داشتن مهمان ! ۶۹.امام علی علیه السلام (ـ در دیوان منسوب به ایشان ـ) : مهمان را گرامی بدار تا او را بیابی که خبر می دهد از آن که بخشنده است و آن که بخل می ورزد و دریغ می دارد . ۷۰.امام علی علیه السلام (ـ در دیوان منسوب به ایشان ـ) : مهمان را تا توانی گرامی دار تا تو را خویشاوند و میراث بَر خویش

شمارد . ۷۱.امام صادق علیه السلام :سه کس در قیامت از [مقرّبان] ویژه خدا عز و جل هستند : مردی که برادرش را در راه خدای عز و جل دیدار کند ، او از زائران خدای عز و جل است ، و بر خداست که زائرش را گرامی بدارد و هر چه را خواسته به وی بدهد ؛ و مردی که وارد مسجد شود و نماز بخواند و به تعقیب بپردازد و در انتظار نماز بعدی بنشیند ، او مهمان خدای عز و جل است و بر خداست که مهمانش را گرامی بدارد ؛ و حج گزار و عمره گزار که بر خدای عز و جل وارد می شوند ، و بر خداست که وارد شونده بر خود را گرامی بدارد .

---

1. بدیهی است که این سخن ، ناظر به مواردی است که معاشرت با آنها ، ممنوع و یا مکروه نیست .

۷۲.امام علی علیه السلام :خوش رویی ، نیمی از مهمان نوازی است . ۷۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از اخلاق پیامبران و مؤمنان راستین ، این است که چون یکدیگر را می بینند ، خوش رویی می نمایند و هرگاه به هم می رسند ، دست می دهند . ۷۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که مهمانی برایش بیاید و به صورت او [مهربانانه] بنگرد ، مگر آن که چشم او بر آتش حرام گردد . ۷۵.امام علی علیه السلام (ـ در وصف مؤمن ـ) : مؤمن ، ... مهمان دوست است. ۷۶.امام علی علیه السلام :هیچ مؤمنی نیست که پِچ پِچ مهمان را بِشنود و از آن شاد گردد ، مگر این که گناهانش آمرزیده شود ، اگرچه [آن گناهان ،]فضای میان آسمان و زمین را پر کرده باشند . ۷۷.امام علی علیه السلام :هیچ مؤمنی نیست که مهمان را دوست بدارد ، مگر آن که چون از قبرش بر می خیزد ، چهره اش مانند قرص ماه می درخشد ، و اهل محشر می نگرند و می گویند : این ، کسی جز پیامبری مُرسل نیست! و فرشته ای می گوید: این ، مؤمنی است که مهمان را دوست می دارد و او را گرامی می شمارد و راهی جز رفتن به بهشت ندارد.

«و هر چند در خودشان نیازی [مبرم]باشد، آنها را بر خودشان مقدّم می دارند. و هر کس از خسّت نفس خود مصون مانَد ، ایشان ، همان رستگاران اند » .
حدیث ۷۸.المناقب ، ابن شهرآشوب (ـ به نقل از ابو هریره ـ) : مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی ، به ایشان شکایت کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی را نزد همسرانش فرستاد [که برای او غذایی بیاورند] ؛ امّا آنها گفتند : جز آب ، چیزی در خانه نداریم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « چه کسی امشب ، این مرد را مهمان می کند ؟ » . امیر مؤمنان علیه السلام گفت : « من، ای پیامبر خدا ! » . سپس نزد فاطمه علیهاالسلام آمد و پرسید : «غذا چه داری ، ای دختر پیامبر خدا ؟» . فاطمه علیهاالسلام گفت : « جز غذای کودکان ، چیزی نداریم ؛ امّا مهمان را مقدّم می داریم » . علی علیه السلام گفت : « ای دختر محمّد ! بچّه ها را بخوابان و چراغ را خاموش کن » ، و با دندان هایشان ، صدای جویدن در می آوردند . چون مهمان از خوردن دست کشید، فاطمه علیهاالسلام ، چراغ را آورد، دید که کاسه، به لطف خدا، همچنان پُر است. صبح که شد، علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزارد . پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را که سلام داد، به امیر مؤمنان علیه السلام نگریست و سخت گریست، و فرمود : « ای امیر مؤمنان ! دیشب ، پروردگار از کار شما به شگفت آمد ، بخوان : «و هر چند در خودشان نیازی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدّم می دارند» ؛ یعنی گرسنه باشند «و هر کس از خسّت نفس خود ، مصون مانَد » ؛ یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام «ایشان ، همان رستگاران اند» .

۷۹.امام علی علیه السلام :از سه کار نباید شرم کرد: خدمت کردن مرد به مهمانش ؛ از جا بلند شدن برای پدرش و معلّمش ؛ و مطالبه حق ، اگرچه اندک باشد. ۸۰.امام زین العابدین علیه السلام :کمال مروّت، خدمت کردنِ مرد ، به مهمان خویش است، چنان که پدرمان ابراهیم علیه السلام ، خود با همسرش به مهمانانشان خدمت کردند. آیا نشنیده ای این سخن خداوند عز و جل را: «و زن او ایستاده بود» ؟ ۸۱.امام صادق علیه السلام :خداوند عز و جل چهارِ فرشته برای نابود کردن قوم لوط فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، و کَروبیل. این چهار فرشته ، در حالی که دستار [بر سر و صورت خود] بسته بودند، به ابراهیم علیه السلام برخوردند و به او سلام کردند. ابراهیم علیه السلام آنها را نشناخت ؛ امّا دید صورت زیبایی دارند . با خودش گفت : « این عدّه را باید خودم شخصا خدمت کنم » . ابراهیم ، آدم مهمان نوازی بود . او گوساله فربهی را برای آنان بریان کرد و برایشان بُرد . چون آن را در برابرشان نهاد «دید دست هایشان به غذا دراز نمی شود، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت» . جبرئیل چون این [حالت ابراهیم] را دید ، دستار را از صورتش کنار زد . ابراهیم ، او را شناخت و گفت : « تو هستی ؟ » . گفت : « آری » .
۸۲.احتجاج (ـ به نقل از یوسف بن محمّد بن زیاد و علی بن محمّد بن سیار، از امام عسکری علیه السلام ـ) : پدر و پسری از برادرانِ ایمانیِ امیر مؤمنان علیه السلام خدمت ایشان رسیدند. امام علیه السلام برایشان بلند شد و با احترام، آن دو را در بالای مجلس نشاند و خود، مقابل آنها نشست. سپس دستور داد غذایی آوردند و آن دو نفر ، غذا خورند، پس از غذا ، قنبر،آفتابه و لگنی چوبی و حوله ای برای خشک کردن دست هایشان آورد و جلو آمد که روی دست مرد آب بریزد. امیر مؤمنان علیه السلام از جا جَست و آفتابه را گرفت تا به دست مرد آب بریزد؛ امّا مرد، خودش را به خاک افکند و گفت : ای امیر مؤمنان! خدا مرا در حالی ببیند که شما روی دست من آب می ریزید؟! علی علیه السلام فرمود: «بنشین و بشوی؛ زیرا خداوند عز و جل تو را می بیند که برادرت که بر تو امتیاز و فضیلتی ندارد ، خدمتت می کند و قصدش از این خدمت ، آن است که خداوند در بهشت ، ده برابر جمعیّت دنیا عطایش فرماید». مرد نشست و علی علیه السلام به او فرمود: «تو را به بزرگی حقّ من که تو آن را شناختی و حرمتش را به جا آوردی و برای خدا فروتنی کردی ـ تا جایی که خداوند در قبال آن ، این پاداش را به تو داد که مرا مأمور خدمت به تو کرد و این افتخار را نصیب تو نمود ـ ، سوگند می دهم که وقتی دستانت را می شویَم،

کاملاً آسوده باشی، همان گونه که اگر قنبر به دستت آب می ریخت». مرد ، اطاعت کرد. وقتی امام علی علیه السلام دست او را شست، آفتابه را به محمّد بن حنفیّه داد و فرمود: «فرزندم! اگر این پسر ، بدون پدرش بر من وارد می شد، خودم دستش را می شستم؛ اما خداوند عز و جل خوش ندارد که وقتی پدر و پسری در یک جا جمع باشند ، میان آنها برابری نهد؛ بلکه پدر ، روی دست پدر آب می ریزد و باید پسر ، روی دست پسر آب بریزد». محمّد بن حنفیّه ، بر دست پسر آن مرد ، آب ریخت. امام حسن عسکری علیه السلام سپس فرمود: کسی که در این زمینه از علی علیه السلام پیروی کند، شیعه حقیقی است. ۸۳.الزهد ، ابن حنبل ـ به نقل از خیثمه ـ :عیسی علیه السلام برای یارانش غذا درست می کرد . سپس آنان را فرا می خواند و [برای پذیرایی کردن،] بالای سرشان می ایستاد. آن گاه می فرمود : « این گونه پذیرایی کنید » .

۸۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میزبان ، موظّف است با چیزی که به آسانی برایش فراهم می شود ، از برادرش پذیرایی کند، اگرچه بیش از جرعه آبی نباشد . پس، هر کس از این که برادرش را این گونه پذیرایی می کند شرمگین باشد ، روز و شبش ، پیوسته در خشم خداست ، و [سوی دیگر] کسی که آنچه را برادرش پیش او می نهد ، خوار و بی مقدار بشمارد، روز و شبش ، پیوسته مورد خشم خداست . ۸۵.امام صادق علیه السلام :هرگاه برادرت بر تو وارد شد ، غدایی برایش بیاور . اگر [میل نداشت و] نخورد ، به او آب تقدیم کن و اگر ننوشید ، آبی برای دست و رو شستن (/وضو ساختن) بیاور . ۸۶.امام صادق علیه السلام :هرگاه برادرت بر تو وارد شد ، به او نگو: امروز چیزی خورده ای؟ بلکه آنچه در خانه داری ، برایش بیاور ؛ زیرا بخشنده واقعی ، کسی است که آنچه را دارد ، ببخشد.

«آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید؟ چون بر او درآمدند؛ پس سلام گفتند.
گفت: «سلام ! مردمی ناشناسید » . پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله ای فربه [و بریان]آورد. آن را به نزدیکشان بُرد [و]گفت: «مگر نمی خورید؟»»
۸۷.امام صادق علیه السلام :چون فرستادگان [الهی] نزد ابراهیم علیه السلام آمدند ، برایشان گوساله ای [بریان] آورد و گفت : « بخورید » . آنها گفتند : نمی خوریم تا به ما بگویی که بهایش چند است . ابراهیم گفت : « [بهایش این است که] چون شروع به خوردن کردید ، بسم اللّه بگویید، و چون دست از خوردن کشیدید ، الحمد للّه بگویید » . جبرئیل به همراهانش ـ که چهار تن بودند و جبرئیل ، رییسشان بود ـ رو کرد و گفت: « سزاوار است که خداوند این را خلیل خود گردانَد » . ۸۸.امام علی علیه السلام :هرگاه برادر مؤمنت بر تو وارد شد، از بهترین غذایی که در خانه ات داری ، به او بخوران . ۸۹.الکافی (ـ به نقل از ابو خالد کابلی ـ) : بر امام باقر علیه السلام وارد شدم ، ایشان [مرا]به غذا خوردن دعوت کرد . من با ایشان غذا خوردم ؛ غذایی که هرگز تمیزتر و خوش مزه تر از آن نخورده بودم . وقتی از غذا خوردن فارغ شدیم ، امام فرمود : «ای ابوخالد! غذایت ـ یا فرمود : غذای ما ـ را چه گونه دیدی؟». گفتم : فدایت گردم! هرگز غذایی تمیزتر و خوش مزه تر از آن ندیده ام ؛ ولی یاد آیه ای در کتاب خدای عز و جل افتادم [که فرموده است] : «سپس آن روز حتما از نعمت پرسیده می شوید» . امام باقر علیه السلام فرمود : «نه ، شما از حقّی که در آن هستید [و به آن ایمان دارید ، یعنی ولایت] ، پرسیده می شوید» .
۹۰.الکافی ـ به نقل از ابن بُکَیر ، از یکی از راویان شیعه ـ :امام صادق علیه السلام ، گاهی با نانِ گِرده و حلوای روغن و خرما از ما پذیرایی می کرد [که خوراک اغنیا بود] و گاهی با نان و زیتون . به ایشان گفته شد : کاش کارَت را تدبیری می کردی تا در آن اعتدال باشد! فرمود : «ما به فرمان خداوند عز و جل تدبیر می کنیم . اگر خداوند ، زندگی ما را وسعت دهد ، ما هم وسعت می دهیم و اگر تنگ بگیرد ، ما هم تنگ می گیریم» .
۹۱.الکافی (ـ به نقل از ابو حمزه ـ) : چند نفری ، نزد امام صادق علیه السلام بودیم . برای ما غذایی سفارش داد که چنان غذای لذیذ و خوش مزه ای را به یاد نداریم ، و به ما خرمایی داده شد که به خاطر خوبی و یک دستی اش [بهت زده] به همدیگر نگاه می کردیم . مردی گفت : از این نعمتی که نزد پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخوردار شُدید ، [روز

قیامت] سؤال خواهید شد . امام صادق علیه السلام فرمود : «خداوند عز و جل ، بزرگوارتر و برتر از این است که غذایی نصیب شما کند و اجازه استفاده آن را بدهد ، و بعد ، از آن ، بازخواست نماید . آری . از شما در باره نعمت محمّد و خاندان محمّد صلی الله علیه و آله ـ که نصیبتان کرده ـ خواهد پرسید» .

۹۲.امام علی علیه السلام (ـ به گروهی از شیعیان ـ) : هر یک از شما که ثروتی دارد، باید با آن ، به خویشاوندانش کمک و رسیدگی کند و نیکو مهمان نوازی نماید. ۹۳.امام علی علیه السلام (ـ در وصیّتش به هنگام وفاتش ـ) : خدا را، خدا را در حقّ مسافرانِ در راه مانده ، در نظر بگیرید ! زنهار که با وجود شما ، احساس غربت و دوری از عشیره اش کند! خدا را ، خدا را در حقّ مهمان، در نظر بگیرید! زنهار که از نزد شما برود ، مگر با سپاس گزاری از شما !
۹۵.امام صادق علیه السلام (ـ در معنای ستم دیده در آیه شریف:) : هنگامی که مهمان بر شخصی وارد می شود و آن شخص ، از او به خوبی پذیرایی نمی کند ، بر آن مهمان ، گناهی نیست اگر از رفتار بد او یاد کند. «خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از]کسی که بر او ستم رفته است » ـ ۹۶.امام صادق علیه السلام (ـ در باره آیه شریف:) : هر کس گروهی را مهمان کند و از آنها بد پذیرایی نماید، او از کسانی است که ستم کرده . پس بر آن عدّه ، گناهی نیست اگر در باره اش چیزی بگویند.

۹۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما بر برادرش وارد شد ، امیر بر اوست تا آن گاه که از نزدش برود.

۹۸.امام صادق علیه السلام :هرگاه برادرت سرزده بر تو وارد شد ، با آنچه فراهم داری، از او پذیرایی کن ؛ امّا اگر دعوتش کرده بودی ، تا جایی که در توانت هست ، برایش بکوش.۹۹.امام صادق علیه السلام :هرگاه برادرت، ناخوانده بر تو درآمد ، همان چیزی را که در خانه ات داری ، برایش بیاور ؛ ولی هرگاه دعوتش کردی ، در پذیرایی از او به سختی بکوش.

۱۰۰.امام باقر علیه السلام :صاحب خانه ، قبل از غذا باید دست هایش را پیش از دیگران بشوید و بعد از غذا ، آخر از همه . ۱۰۱.امام صادق علیه السلام :دست شستن پیش از غذا را صاحب خانه باید شروع کند، تا این که کسی خجالت نکشد .. . ـ در حدیث دیگری آمده است : ـ در ابتدا صاحب خانه باید دستش را بشوید ، آن گاه کسی که در سمت راست او نشسته است ... و آخرین کسی که دستش را می شوید ، صاحب منزل است ؛ زیرا او به صبر کردن بر چربی و بوی گوشت بر دست ، سزاوارتر است.
۱۰۲.دعائم الاسلام:از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: « صاحب خانه ، آخر از دیگران دست هایش را می شوید » . منظور ایشان ، افراد غیر خانواده اوست، آن گاه که عدّه ای از برادرانش مهمان او شده اند .
۱۰۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صاحب خانه ، قبل از دیگران می نوشد، ۱ و بعد از همه ، دست هایش را می شوید .

نکته

مطابق روایات یاد شده ، شایسته است که میزبان ، پیش از مهمانان در آغاز و بعد از همه آنان در پایان غذا خوردن ، دستان خود را بشوید.
به نظر می رسد پیام اصلی این احادیث و دیگر احادیثی که به میزبان توصیه می کند تا نخستین نفری باشد که مشغول غذا خوردن می شود یا آخرین نفری باشد که از غذا خوردن دست می کشد ، یادآوری این نکته به اوست که میزبان باید به صورت عملی ، خرسندیِ خود را از حضور مهمانان و آمادگی اش را برای پذیرایی شایسته از آنها اعلام نماید و پیشی گرفتن میزبان برای شستن دست خود پیش از شروع غذا خوردن ، در حقیقت ، وسیله ای برای ابراز این معناست .
روشن است چنانچه میزبان ، خود ، پیش از همه در کنار سفره حضور یابد و برای خوردن غذا آماده شود ، مهمانان نیز راحت تر و بدون خجالت کشیدن ، مشغول غذا خوردن می شوند . همچنان که اگر میزبان ، آخرین کسی باشد که از غذا خوردن دست بشوید ، مهمان هایی که کندتر غذا می خورند، فرصت کافی برای سیر شدن خواهند داشت . بر مبنای این ادب می توان گفت که هر اقدامی از سوی میزبان ـ که نشانه رضایتمندی وی از پذیرایی از مهمان است ـ ، از نظر اسلام ، پسندیده است .
---
1. یعنی اگر برای پذیرایی ، نوشیدنی آورده شد ، شایسته است که میزبان ، پیش از همه اقدام به نوشیدن نماید ؛ همچنان که سر سفره غذا نیز باید قبل از آنان شروع به خوردن کند تا مهمانان خجالت نکشند . این حدیث ، با حدیثی که می گوید : « ساقیِ قوم باید آخر از همه آب بنوشد » ، منافاتی ندارد ؛ چرا که میان میزبان و ساقی ، تفاوت است ؛ ثانیا بر فرض این که میزبان ، خود ساقی باشد ، احتمال دارد حدیث دوم ، ناظر به موردی باشد که همگان تشنه اند . در این صورت ، شایسته است که میزبان ، آخرین کسی باشد که آب می نوشد .

۱۰۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که می خواهد خداوند دوستش بدارد، باید غذایش را با مهمان خود بخورد . ۱۰۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دوست دارد که خداوند و پیامبرش او را دوست بدارند، باید با مهمانش غذا بخورد. ۱۰۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس غذایش را با مهمان خود بخورد، میان او و خداوند ، پرده ای نیست . ۱۰۷.مکارم الأخلاق:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر نوع غذایی را می خوْرد. آنچه را خدا برایش حلال کرده بود، در کنار خانواده و خدمتکارانش و [یا] با کسانی که او را دعوت می کردند ، می خورد، بر روی زمین یا بر آنچه آنها روی آن می خوردند، و از هر چه آنها می خوردند [پیامبر صلی الله علیه و آله هم می خورد]، مگر آن که مهمانی بر آنها وارد می شد که در این صورت ، با مهمانش غذا می خورد . محبوب ترین غذا هم نزد ایشان ، غذایی بود که دست های بیشتری در خوردن آن شرکت داشتند. ۱۰۸.المصنّف ، عبد الرزّاق (ـ به نقل از مجاهد ـ) : شخصی بر مردی از انصار در آمد . شبْ هنگام ، مرد انصاری به خانه آمد، پرسید: آیا [مهمانتان را] شام داده اید؟ اهل خانه گفتند: نه، منتظر تو بودیم! انصاری گفت: تا این ساعتْ منتظر من بوده اید؟ به خدا قسم که از این غذا نمی چشم ! زن گفت: به خدا قسم اگر تو نچشی ، من هم نمی چشم! مهمان گفت: به خدا قسم اگر شما نخورید ، من هم نمی خورم ! مرد انصاری چون چنین دید، گفت: حاضر نیستم هم خودم و هم مهمانم و هم زنم را از خوردنْ باز دارم . پس دست بُرد و شروع به خوردن کرد. صبح که فرا رسید ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و داستان را به ایشان گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: « چه کردی ؟ » . گفت : خوردم ، ای پیامبر خدا ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « خدا را فرمان بردی و شیطان را نافرمانی کردی » .

۱۰۹.امام کاظم علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه برایش مهمان می آمد، غذایش را با او می خورد و دست از سفره نمی کشید تا آن که مهمان ، دست می کشید . ۱۱۰.امام صادق علیه السلام :هرگاه مهمان برای کسی بیاید و میزبان ، با او غذا بخورد، خجالت را از مهمان می زداید ، و چنانچه با او نخورد، مهمان ، احساس راحتی نمی کند .

۱۱۱.امام علی علیه السلام :هرگاه غذا دادی ، سیر کن . ۱۱۲.الکافی (ـ به نقل از هشام بن سالم ـ) : همراه ابن اَبی یعفور ، نزد امام صادق علیه السلام رفتیم . ما چند نفر بودیم . امام علیه السلام دستور داد ناهار آوردند و ما ناهار خوردیم و امام هم با ما ناهار خورد . در آن جمع ، من از همه جوان تر بودم ؛ لذا با خجالتْ غذا می خوردم. امام علیه السلام به من فرمود : « بخور . مگر نمی دانی که محبّت انسان به برادرش ، با خوردن او از غذای برادرش معلوم می شود ؟ ». ۱۱۳.الکافی (ـ به نقل از ابو ربیع ـ) : امام صادق علیه السلام غذا طلبید. هَلیم آوردند . به ما فرمود : « پیش آیید و بخورید » . افراد ، در خوردن ، کوتاهی می کردند. فرمود: « بخورید ؛ زیرا محبّت انسان نسبت به برادرش ، از خوردن در سفره او معلوم می شود ». ما چنان شروع به خوردن کردیم که داشتیم خودمان را مانند شتر ـ که گلوگیر می شود ـ ، خفه می کردیم!
۱۱۴.امام صادق علیه السلام (ـ به یکی از یارانش که با او غذا می خورد ـ) : محبّت شخص به برادرش ، از خوب خوردنش از غذای او معلوم می شود. من خوش دارم که شخصْ از غذایم بخورد و حسابی (راحت) بخورد ؛ [چون] با این کار ، مرا خوش حال می کند . ۱۱۵.الکافی (ـ به نقل از عنبسة بن مصعب ـ) : نزد امام صادق علیه السلام رسیدیم ، در حالی که قصد رفتن به مکّه داشت . دستور داد سفره آوردند و برایمان گستردند . سپس فرمود: « بفرمایید » و ما شروع به خوردن کردیم . امام علیه السلام فرمود : « ثابت کردید، ثابت کردید! می گویند: دوستیِ افراد را از خوردنشان بشناسید » . پس، خجالتمان از بین رفت و خوردیم. ۱۱۶.الکافی (ـ به نقل از عبد الرحمان بن حجّاج ـ) : همراهِ امام صادق علیه السلام غذا تناول می کردیم که سینیِ پلویی برایمان آوردند. ما با کُندی می خوردیم. فرمود: « نشد ! با محبّت ترین شما نسبت به ما ، کسی است که نزد ما بهتر بخورد » . با این حرف، من ریزه های سفره را هم برداشتم و خوردم. امام فرمود : « حالا شد » . و برایمان روایت کرد که از طرف انصار ، سینیِ پلویی برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند . پیامبر ، سلمان و مقداد و ابوذر ـ رضی اللّه عنهم ـ را هم دعوت کرد. آنها در خوردن ، کندی می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « نشد! با محبّت ترین شما نسبت به ما ، کسی است که نزد ما راحت تر (حسابی تر) بخورد» . پس آنها راحت تر، به خدا خوردن ادامه دادند . امام صادق علیه السلام آن گاه ، فرمود : « خدا رحمتشان کند و از ایشان خشنود باشد و بر آنان درود فرستد ! » .

۱۱۷.الکافی (ـ به نقل از عیسی بن ابی منصور ـ) : نزد امام صادق علیه السلام غذا تناول کردم . ایشان ، جلوی من ، کباب می گذاشت . سپس فرمود : « ای عیسی ! می گویند که محبّت شخص را از خوردن او از غذای برادرش بشناس » . ۱۱۸.المحاسن (ـ به نقل از هشام بن سالم ـ) : از امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی که مشغول خوردن بود، می فرمود : « مگر نمی دانی که محبّت شخص به برادرش ، از زیاد خوردن او نزد وی دانسته می شود ؟ ! » . ۱۱۹.الکافی (ـ به نقل از عبد اللّه بن سلیمان صیرفی ـ) : نزد امام صادق علیه السلام بودم. برایمان غذایی آوردند که در آن ، گوشت کباب شده بود و بعد از آن هم چیزهای دیگری آوردند. سپس سینیِ پلویی آوردند که من با ایشان خوردم . فرمود : « بخور » . گفتم: خوردم. فرمود: « بخور. محبّت شخص به برادرش ، از راحت بودن او در خوردن از غذای وی دانسته می شود » . سپس با انگشتش قسمتی از سینی را برایم علامت گذاشت و فرمود: « با آن که خورده ای، باید تا این جا بخوری » . و من هم خوردم.
۱۲۰.المحاسن (ـ به نقل از حارث بن مغیره ـ) : به منزل امام صادق علیه السلام رفتم. دستور داد که سفره بیاورند. سینیِ پلویی آوردند . من [آن قدر] از آن خوردم تا این که سیر شدم . امام علیه السلام با دستش در سینی ، خط کشید . سپس فرمود : « سوگندت می دهم که تا این خط بخوری ! » . ۱۲۱.دعائم الإسلام:یکی از معصومان علیهم السلام ، هر گاه کسی مهمانش بود، می فرمود: « بخور ، ای بنده خدا و از آن ، برکت بجوی!» .

۱۲۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از حقوق مهمان است که تا دَمِ در ، با او بروی و بدرقه اش کنی. ۱۲۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از سنّت است که شخص ، تا درِ خانه ، مهمانش را همراهی کند

فصل سوم : آنچه شایسته میزبان نیست

۱۲۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس اطعامی کند که در آن ، خودنمایی و شهرت طلبی باشد، خداوند عز و جل ، در روز قیامت ، در شکم او آتشی قرار می دهد تا آن گاه که از حساب خلایقْ فارغ شود .
۱۲۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه دادنِ روز اوّل ، وظیفه است، روز دوم ، احسان، و بیشتر از آن ، خودنمایی و شهرت طلبی است.
۱۲۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه [ی اوّل] ، وظیفه است، دومی ، احسان، و سومی ، فخرفروشی و گناه. ۱۲۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یک روز خرج دادن در عروسی، سنّت است، دو روز ، بخشش و احسان، و سه روز ، خودنمایی و شهرت طلبی
۱۲۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ولیمه نخستین روز، وظیفه است، ولیمه روز دوم، سنّت، و ولیمه روز سوم، شهرت طلبی . هر کس در پی شهرت است ، خداوند ، او را رسوا می کند . ۱۲۹.امام باقر علیه السلام :ولیمه دادن ، یک روز است، دو روز ، آقایی است، و سه روز ، خودنمایی و شهرت طلبی.ر . ک : ص ۴۹ (آنچه شایسته میزبان است / انگیزه نیکو) .

۱۳۰.امام صادق علیه السلام :مایه هلاکت مرد مسلمان است که آنچه را در خانه دارد ، برای مهمان ، اندک و ناقابل بشمارد. ۱۳۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان را همین گناه بس که آنچه را پیش برادران خود می گذارد ، اندک و ناقابل بشمارد. ۱۳۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مایه هلاکت شخص است که گروهی از برادرانش بر او وارد شوند و او آنچه را در خانه دارد ، قابلِ آوردن برای آنها نداند.ر . ک : ص ۱۵۱ (آنچه شایسته مهمان نیست / ناچیز شمردن امکانات میزبان) .

۱۳۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :من اهل تکلّف ۱ را دوست ندارم. ۱۳۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه احترام شخص به برادرش ، این است که هدیه تقدیمی او را بپذیرد و از همان چیزی که آماده دارد ، به او تقدیم کند ، و خود را برای برادرش به سختی نیندازد. ۱۳۵.امام صادق علیه السلام :مؤمن از برادرش خجالت نمی کشد. معلوم نیست که کدام یک عجیب تر است: آن که وقتی بر برادرش وارد می شود ، او را به سختی (تشریفات) وا می دارد، یا آن که برای برادرش خود را به سختی می اندازد! ۱۳۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای عایشه! خودت را برای مهمان ، به سختی نینداز ؛ زیرا با این کار ، از او خسته می شوی ؛ بلکه از همان غذایی که خودت می خوری ، به او بخوران . ۱۳۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس برای پذیرایی از مهمان ، خود را بیشتر از توانش به زحمت نیندازد. ۱۳۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خود را برای مهمان ، به سختی نیندازید ؛ که از او متنفّر می شوید و هر کس از مهمان متنفّر شود ، از خدا متنفّر شده است و هر کس از خدا متنفّر شود ، خدا هم از او متنفّر می شود .

---

1. تکلّف : خود را به زحمت انداختن و زیاده روی در پذیرایی ؛ تجمّلات فراهم آوردن و تشریفات قائل شدن .

۱۳۹.التاریخ الکبیر (ـ به نقل از سلمان ـ) : پیامبر صلی الله علیه و آله به ما دستور داد که برای مهمان ، چیزی را که در خانه نداریم، [از بیرون] تهیه نکنیم ؛ بلکه همان چیزی را که در خانه هست برای او بیاوریم. ۱۴۰.امام صادق علیه السلام (ـ از پدرانش علیهم السلام ـ) : [پیامبر صلی الله علیه و آله] از پذیرایی کردن مهمان ، با چیزی که شخص ، توانش را ندارد و برای تهیه آن به سختی می افتد ، نهی فرمود. ۱۴۱.المحجّة البیضاء:در حدیث یونس علیه السلام ـ که بر پیامبرمان و بر او درود باد ! ـ آمده است که دوستانش به دیدن او آمدند و آن جناب ، چند قرص نان ، جلوی آنها گذاشت و مقداری هم سبزی ـ که خود آن را می کاشت ـ برایشان چید . سپس فرمود : « ... اگر این گونه نبود که خداوند عز و جل ، اهل تکلّف را لعنت کرده است ، برایتان تکلّف می نمودم » . ۱۴۲.المحجّة البیضاء:برخی گفتند : بر جابر بن عبد اللّه در آمدیم . پس قدری نان و سرکه برایمان آورد و گفت: « اگر از تکلّفْ نهی نشده بودیم، برایتان تکلّف می نمودم » .

۱۴۳.المحاسن (ـ به نقل از علی بن خطّاب خلّال ، از مردی ، از امام صادق علیه السلام ـ) : یکی از دوستداران امام صادق علیه السلام نزد ایشان آمد و سلام کرد و نشست ، در حالی که اسماعیل ، فرزند امام نیز همراه ایشان بود. چون امام صادق علیه السلام رفت، آن مرد نیز همراه ایشان برگشت. امام به در خانه اش که رسید ، از مرد جدا شد و به خانه رفت. فرزندش اسماعیل به ایشان گفت: پدر جان ! چرا او را به خانه ، دعوت نکردید ؟ امام فرمود : «به خانه آوردن او در شأن من نبود». اسماعیل گفت : او هم که نمی آمد [؛ پس بد نبود که به ظاهر ، تعارفی می کردید] . امام فرمود: « پسرم ! خوش ندارم که خداوند ، مرا اهل تعارف [دروغین]بنویسد » .

۱۴۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از بی خردیِ شخص است که مهمانش را به کار بگیرد. ۱۴۵.الکافی (ـ به نقل از ابن ابی یَعفور ـ) : در خانه امام صادق علیه السلام مهمانی را دیدم که روزی برای انجام دادن کاری برخاست . امام ، مهمان را از این کار باز داشت و خودش آن کار را انجام داد . پس فرمود : « پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از به کار گرفته شدن مهمان ، نهی فرموده است » . ۱۴۶.الکافی (ـ به نقل از عبید بن ابی عبد اللّه بغدادی ، از کسی که به او خبر داد ـ) : مهمانی بر امام رضا علیه السلام وارد شد . امام ، تا پاسی از شب ، نزد او نشسته بود و با وی سخن می گفت که چراغ ، کم نور شد . مرد ، دستش را دراز کرد که آن را درست کند ؛ امّا امام رضا علیه السلام وی را از این کار ، باز داشت و خود ، به درست کردن چراغ پرداخت. سپس به او فرمود : « ما قومی هستیم که از مهمانانمان کار نمی کشیم »

۱۴۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صاحب خانه ، روزه نگیرد ، مگر با اجازه مهمان. ۱۴۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مردی وارد شهری شد ، مهمان ساکنان آن شهر از همدینان خودش است تا زمانی که از پیش آنان برود ... و برای آنان سزاوار نیست روزه بگیرند مگر با اجازه مهمان . مبادا که مهمان از آنها خجالت بکشد و غذا بخواهد ؛ ولی به خاطر [رعایتِ حال] آنها از خوردن خودداری کند!

۱۴۹.امام باقر علیه السلام :به کار گرفتن مهمان ، [نشان] از بی ادبی است . پس، هرگاه مهمان بر شما وارد شد [در بار افکندن و جابه جا کردن بارهایش] به او کمک کنید و هرگاه خواست که بارش را ببندد ، کمکش نکنید ؛ زیرا این کار ، [نشان]از پستی است . و توشه بسیار همراهش کنید؛ زیرا این کار ، [نشان] از سخاوت است. ۱۵۰.الأمالی ، صدوق (ـ به نقل از حریز بن عبد اللّه یا دیگری ـ) : عدّه ای از طایفه جُهَینه ، مهمان امام صادق علیه السلام شدند. امام از آنان پذیرایی کرد و چون خواستند بروند ، به آنها توشه و آذوقه و پول داد . آن گاه به خدمتکارانش فرمود : « کنار روید و کمکشان نکنید ! » . مهمانان چون رخت خویش بستند، برای خداحافظی ، نزد امام آمدند و گفتند : ای پسر پیامبر خدا ! شما پذیراییِ شایانی از ما به عمل آوردید و دَهِش بسیار کردید ؛ امّا به خدمتکارانتان فرمودید که در بستنِ بار ، به ما کمک نکنند ؟ ! امام علیه السلام فرمود : « همانا ما خاندانی هستیم که به مهمانان خود در رفتن از نزدمان کمک نمی کنیم »

۱۵۱.مستطرفات السرائر (ـ به نقل از ابو عبد اللّه سیّاری ـ) : مهمانانی بر امام کاظم علیه السلام وارد شدند. چون خواستند بروند، خدمتکاران امام ، کمکشان نکردند . آن گاه به امام گفتند : ای پسر پیامبر خدا ! ممکن است که به خدمتکاران بفرمایید در بستن بار ، به ما کمک کنند؟ امام کاظم علیه السلام فرمود: « چون برای رفتن است، نه ! » .

فصل چهارم : آنچه شایسته مهمان است

۱۵۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه کسی شما را دعوت کرد، دعوتش را بپذیرید. ۱۵۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه به مهمانی دعوت شُدید، [بپذیرید و] در آن حاضر شوید. ۱۵۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اسیر را آزاد کنید، دعوت دعوت کننده را بپذیرید و از بیمار عیادت کنید. ۱۵۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (ـ به امام علی علیه السلام ـ) : ای علی !... برای پذیرفتن مهمانی ، تا سه میل راه برو .
۱۵۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر پاچه ای ۱ [هم] به من هدیه شود ، می پذیرم، و اگر به [خوردن]سردستی هم دعوت شوم ، می پذیرم . ۱۵۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به ولیمه ای دعوت شد، در آن حاضر شود. ۱۵۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر به پاچه ای هم دعوت شُدید، بپذیرید. ۱۵۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما دعوت شد ، بپذیرد . اگر روزه داشت ، مشغول نماز شود، و اگر روزه نداشت، بخورد. ۱۶۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد و روزه دار بود ، بگوید : من روزه ام. ۲
---
1. مقصود ، پاچه گوسفند یا گاو است . 2. این که توصیه شده است که مهمان ، ضمن پذیرش دعوت ، از روزه دار بودن خود خبر دهد، حکمتش آن است که مبادا دعوت کننده ، دچار سوء تفاهم شود و بپندارد که مهمان ، علاقه ای به خوردن غذای وی ندارد .

۱۶۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به عروسی یا مانند آنْ دعوت شد، بپذیرد . ۱۶۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه کسی از شما به [خوردن] غذایی دعوت شد، بپذیرد . اگر روزه نبود ، از آن غذا بخورد و اگر روزه دار بود ، برای برکت آن دعا کند. ۱۶۳.المعجم الکبیر (ـ به نقل از عیّاض بن ابی اَشرس سَلَمی ـ) : یعلی بن مُرّه را به مهمانی دعوت کردم. دیدم نشسته است و روزه دارد و مردم می خورند و او نمی خورَد. به او گفتم: به خدا اگر می دانستیم که روزه ای، باعث ناراحتی ات نمی شدیم ! او گفت: این حرف را نزنید ! من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام که می فرماید : « دعوت برادرت را بپذیر؛ زیرا نسبت به او دو حالت داری: یا [دعوتش]خیر است که در این صورت ، سزاوارترین چیزی است که در آن حاضر شده ای، و یا غیر آن است که در این صورت ، او را از آن نهی می کنی و به کار نیک ، دعوتش می نمایی » . ۱۶۴.امام باقر علیه

السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعوت را می پذیرفت. ۱۶۵.مکارم الأخلاق (ـ به نقل از اَنَس ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بیمار عیادت می کرد ، در تشییع جنازه شرکت می کرد و دعوت برده را می پذیرفت. ۱۶۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به حاضران و غایبان امّتم سفارش می کنم که دعوت مسلمان را بپذیرند ، اگرچه در فاصله پنج میلی باشد؛ زیرا این کار ، جزء دین است . ۱۶۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر مؤمنی ، مرا به خوراک سردست گوسفندی هم دعوت کند، دعوتش را می پذیرم ، که این کار ، جزء دین است . ۱۶۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از ناتوان ترین ناتوانی ، این است که مردی ، برادرش را به غذایی دعوت کند و او بی دلیل ، در آن [مهمانی] حاضر نشود . ۱۶۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس دعوت را نپذیرد، از خدا و پیامبرش نافرمانی کرده است. ۱۷۰.دعائم الإسلام:روایت شده است که حسین بن علی علیه السلام ملاحظه کرد که مردی به غذایی دعوت شد و او به کسی که دعوتش کرد، گفت : مرا ببخش ! حسین علیه السلام فرمود: « برخیز ؛ زیرا در دعوت ، بخشش نیست . اگر روزه نبودی ، بخور و اگر روزه بودی ، برای برکت آن سفره ، دعا کن » . ۱۷۱.امام صادق علیه السلام :یکی از حقوق واجب مؤمن ، این است که دعوتش پذیرفته شود. ۱۷۲.امام صادق علیه السلام :یکی از حقوق مسلمان بر مسلمان ، این است که هرگاه او را دعوت کرد ، اجابتش کند

۱۷۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه دو نفر هم زمان ، تو را دعوت کردند ، دعوت شخصی را که خانه اش نزدیک تر است بپذیر؛ زیرا آن که خانه اش نزدیک تر است ، همسایه تر است و اگر یکی از آنها زودتر دعوت کرد، دعوت کسی را که پیشی گرفته ، بپذیر

۱۷۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه به [شرکت در تشییع] جنازه ها فرا خوانده شُدید، بشتابید، و هرگاه به عروسی ها دعوت شدید، کُندی نمایید. ۱۷۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه به عروسی ها دعوت شُدید ، کندی بورزید؛ زیرا این مجالس ، دنیا را به یاد می آورند و هرگاه به سوی جنازه ها فرا خوانده شُدید ، بشتابید؛ زیرا آنها یادآور آخرت هستند.

۱۷۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه کسی [هم زمان] به ولیمه و تشییع جنازه دعوت شد، تشییع جنازه را بپذیرد ؛ چون آن ، یادآور آخرت است، و ولیمه را رها کند ؛ زیرا آن ، یادآور دنیاست .
۱۷۷.امام باقر علیه السلام :از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: مردی [هم زمان] به ولیمه و تشییع جنازه خوانده می شود . پس [شرکت در]کدام یک برتر است ؟ و کدام یک را اجابت کند؟ فرمود : « تشییع جنازه را اجابت کند ؛ زیرا آن ، آخرت را به یاد می آورد، و ولیمه را رها کند ؛ چرا که آن ، دنیا را به یاد می آورد » .

نکته

ظاهرا مقصود روایات دو عنوانی که گذشت ، آن است که در پذیرفتن دعوت برای شرکت در مراسم و مجالسی که انسان را به یاد خدا و آخرت می اندازند ، مانند تشییع جنازه ، درنگ جایز نیست ؛ امّا در پذیرفتن و حضور در مجالسی که معمولاً غفلت زا هستند ، مانند مجالس عروسی نباید عجله کرد ؛ بلکه این اقدام باید همراه با درنگ و تأمّل باشد تا مشخّص شود مجلس ، آلوده به گناه نیست و در صورتی که مشکلی از این جهت برای میزبان پدید نیاید ، قدری دیرتر در مراسم حضور یابد تا از غفلت خود بکاهد .

۱۷۸.امام رضا علیه السلام (ـ از پدرانش علیهم السلام ـ) : مردی، امیر مؤمنان علیه السلام را دعوت کرد. علی علیه السلام به او فرمود : « پذیرفتم ، به شرط آن که سه قول به من بدهی » . مرد گفت : چه قولی ، ای امیر مؤمنان ؟ ! فرمود: « از بیرون ، چیزی برای ما تهیه نکنی، آنچه را در خانه هست ، از من دریغ نورزی، و خانواده را به زحمت نیندازی » . مرد گفت : قبول است. پس علی بن ابی طالب علیه السلام دعوتش را پذیرفت. ۱۷۹.الکافی (ـ به نقل از مرازم بن حکیم از کسی که حدیث را بدون ذکر راویانش نقل کرده است ـ) : حارث اعوَر ، نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت : ای امیر مؤمنان ! دوست دارم به من افتخار دهید و مهمانم شوید . امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود : « به این شرط که خودت را برای من به زحمت نیندازی » . و وارد [خانه او] شد . حارث ، پاره نانی آورد. امیر مؤمنان علیه السلام مشغول خوردن شد. حارث گفت : من چند درهمی دارم ـ و آنها را در حالی که در لای آستینش بود ، نشان داد ـ . اگر اجازه دهید ، چیزی غیر از این [نان] برایتان خریداری کنم ؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : « این [پاره نان] ، از همان چیزی است که در خانه توست » . ۱۸۰.مستدرک الوسائل (ـ به نقل از اصبغ بن نباته ـ) : همراه امیر مؤمنان علیه السلام به بازار رفتیم . ایشان در بازار می گشت و بازاریان را به کامل دادن پیمانه و ترازو توصیه می کرد ، تا آن که ظهر شد و ایشان بر مردی که نشسته بود، گذشت. مرد ، به سوی حضرت رفت و گفت: ای امیر مؤمنان ! با من به منزلم بیایید و ناهار میل نمایید و برایم دعا کنید. گمان نمی کنم هنوز ناهار خورده باشید ! علی علیه السلام فرمود : « به یک شرط می آیم » . مرد گفت : چه شرطی ؟ فرمود : « به شرط آن که آنچه در خانه ات هست ، از ما دریغ نورزی و از بیرون خانه ات چیزی فراهم نیاوری » . مرد گفت : قبول است. و همراه او به خانه اش رفتیم و سرکه و روغن و خرما خوردیم . سپس، امام علیه السلام خارج شد

«ای کسانی که ایمان آورده اید ! به خانه هایی که خانه های شما نیست ، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن ، سلام گویید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخلِ آن نشوید تا به شما اجازه داده شود . و اگر به شما گفته شد: «برگردید » ، برگردید ؛ که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می دهید ، داناست » .

۱۸۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد و با فرستاده آمد، این، خود برای او اجازه [ی ورود] است.

«آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید؟ چون بر او درآمدند ، پس سلام گفتند. گفت: «سلام ! مردمی ناشناسید»» . «و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر بده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند» . «پس چون به خانه هایی [که گفته شد]درآمدید، به یکدیگر سلام کنید؛ درودی که نزد خداوند، مبارک و خوش است. خداوند ، آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند. امید که بیندیشید» .ر.ک : نور : آیه ۲۷
۱۸۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی را به غذا خوردن ، دعوت نکنید تا آن گاه که سلام کند

۱۸۳.امام باقر علیه السلام :هرگاه یکی از شما به خانه برادرش وارد شد، هر جایی که صاحب خانه می گوید ، همان جا باید بنشیند ؛ زیرا صاحب خانه ، به موقعیّت خانه اش نسبت به مهمان ، آشناتر است.

۱۸۴.تفسیر فرات (ـ به نقل از ابو خلیفه ـ) : من و ابو عبیده حذّاء، به حضور امام باقر علیه السلام رسیدیم. امام به کنیزش فرمود بالشی بیاورد. من گفتم : لازم نیست. همین طوری می نشینیم. امام علیه السلام فرمود: «ای ابو خلیفه! عزّت و احترام را رد نکن؛ زیرا عزّت و احترام را فقط الاغ رد می کند» . ۱۸۵.امام صادق علیه السلام :دو مرد بر امیر مؤمنان علیه السلام وارد شدند. امام علیه السلام برای هر یک از آن دو ، تُشَکی انداخت. یکی از آن دو ، روی تشک نشست و دیگری خودداری کرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «روی تشک بنشین؛ زیرا از پذیرفتن عزّت و احترام سرباز نمی زند مگر الاغ».

۱۸۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به دیدن برادرش می رود ، در حالی که روزه[ی مستحبّی] گرفته است و روزه اش را می گشاید، خداوند متعال ، [پاداش]روزه آن روز را برایش می نویسد. ۱۸۷.السنن الکبری (ـ به نقل از ابو سعید خدری ـ) : برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله غذایی درست کردم و ایشان همراه یارانش به خانه ام آمدند. غذا را که آوردند، مردی از آن جمع گفت: من روزه ام. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « برادرتان شما را دعوت کرد و برایتان زحمت کشیده است » . سپس به آن مرد فرمود : « روزه ات را باز کن و اگر خواستی ، به جای آن ، یک روز دیگر روزه بگیر » .
۱۸۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه برادر مسلمانِ یکی از شما زحمت بکشد و غذایی تهیه کند و آن شخص را دعوت نماید و او روزه داشته باشد و دعوت کننده ، از او بخواهد که روزه اش را بگشاید، بهترین کار برایش این است که روزه اش را بگشاید ؛ به شرط آن که روزه آن روزش ، واجب یا قضا یا نذری متعیّن نباشد، و از ظهر هم نگذشته باشد.
۱۸۹.امام صادق علیه السلام :هرگاه یکی از شما بر برادرش وارد شد و روزه داشت و برادرش از او خواست که روزه اش را بگشاید، باید بگشاید ؛ مگر این که آن روزه اش ، قضای واجب یا نذر معیّن باشد ، یا روز از نیمه ، گذشته باشد.

۱۹۰.امام صادق علیه السلام (ـ به یکی از یارانش که با ایشان غذا می خورْد ـ) : محبّت شخص به برادرش ، از خوب خوردنش از غذای او دانسته می شود. من خوش دارم که شخص ، از غذای من بخورد و خوب [و حسابی] بخورد. با این کار ، مرا خوش حال می کند.

۱۹۱.امام صادق علیه السلام :هرگاه برادرت به تو گفت: بخور، [حتما] بخور، و او را مجبور نکن که قَسَمت بدهد؛ چرا که او [با تعارف کردنت به غذا]می خواهد به تو احترام بگذارد .

۱۹۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مهمان قومی شد، پیشْ نماز آنها نشود ؛ بلکه مردی از خودشان باید امامتشان را بر عهده بگیرد .
۱۹۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به دیدن قومی رفت ، برای آنان نماز نخوانَد ؛ بلکه یک نفر از خودشان پیشْ نماز شود.
۱۹۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس در خانه کسی دیگر ، پیشْ نماز او نشود . ۱۹۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به نشستن در صدر خانه اش و سوار شدن جلوی اسبش و پیشْ نماز شدن در خانه اش ، سزاوارتر است. ۱۹۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان نباید در قلمروِ قدرت دیگری ، بر او پیشْ نمازی کند و یا در جایگاه مخصوص کسی، بدون اجازه او بنشیند .
۱۹۷.فقه الرضا علیه السلام :عالم (امام رضا علیه السلام) یا امیر مؤمنان علیه السلام ، در پاسخ این پرسش که : در میان جمعی از برادران ایمانی ، چه کسی امام جماعتشان باشد؟ چنین نقل کرد : «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده : صاحب فرش (جانَماز/ سجّاده) ، به فرش خویش ، و اهل مسجد ، به مسجدش سزاوارتر است» .

نکته

اقتدای مهمان به صاحب خانه در نماز جماعت ، به عنوان یکی از آداب مهمانی ، به این معناست که با فرض وجود ویژگی های لازم در میزبان برای امامت جماعت ، او بر دیگران در پیش نمازی ، اولویت دارد . پیداست اگر صاحب خانه ، فاقد ویژگی های مورد نظر باشد ، می تواند این حق را به هر شخص با صلاحیتی که خود بخواهد ، واگذار نماید . در غیر این صورت ، این حق ، ساقط می شود و نوبت ، به امامت دیگر حاضران خواهد رسید

۱۹۸.سنن أبی داوود (ـ به نقل از جابر بن عبد اللّه ـ) : ابو هَیثَم بن تَیِّهان ، برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی آماده ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش را دعوت کرد. چون از خوردنْ آسودند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « برادرتان را پاداش دهید » . یاران گفتند : ای پیامبر خدا ! پاداش دادن او چگونه است؟ فرمود: « هرگاه به خانه کسی رفتند و غذایش را خوردند و نوشیدنی اش را نوشیدند و برایش دعا کردند، این ، خود، پاداش دادنِ اوست » .

۱۹۹.صحیح مسلم (ـ به نقل از عبد اللّه بن بُسر ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مهمان پدرم شد . برای ایشان ، غذا و حلوای خرما آوردیم . از آن تناول فرمود ... آن گاه نوشیدنی آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نوشید . سپس ظرف نوشیدنی را به کسی که سمت راستش بود، داد. پدرم لُگام ستور پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و گفت: برای ما دعا کنید ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بار خدایا ! به اینان در آنچه روزی شان کرده ای ، برکت ده و گناهانشان را بیامرز و رحمتشان کن ! » .

۲۰۰.سنن الدارمی (ـ به نقل از عبد اللّه بن بُسر ـ) : پدرم به مادرم گفت : کاش برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله غذایی درست کنی ! مادرم آب گوشتی درست کرد. با دستش اشاره کرد که آب گوشت ، اندک است . پدرم رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستش را روی آب گوشت گرفت . سپس فرمود : « به نام خدا شروع کنید ! » . همه شروع به خوردن از کناره های آن کردند . چون غذایشان را خوردند، پیامبر صلی الله علیه و آله برایشان دعا کرد و فرمود : « بار خدایا ! ایشان را بیامرز و رحمتشان کن و به روزی شان برکت عطا فرما ! ».

۲۰۱.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه نزد خانواده ای غذا می خورد، به ایشان می فرمود: « روزه داران ، نزد شما غذا خوردند و نیکان ، از غذایتان تناول کردند و فرشتگان نیکو ، بر شما درود فرستادند » .

« ... هنگامی که دعوت شُدید ، داخل گردید و وقتی غذا خوردید ، پراکنده شوید ، بی آن که به سخنی ، سرگرم گردید . این رفتارِ شما پیامبر را می رنجانَد ؛ و [لی]از شما شرم می دارد و حال آن که خدا از حق [گویی]شرم نمی کند» . حدیث ۲۰۲.الدرّ المنثور (ـ به نقل از ربیع بن اَنَس ـ) : [مردم] به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و می نشستند و به صحبت کردن می پرداختند تا غذا آماده شود . پس، خداوند متعال ، این آیه را فرو فرستاد : «ای کسانی که ایمان آورده اید ! داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردنِ]غذایی به شما اجازه داده شود، [آن هم]بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید» ؛ یعنی رسیدن غذا . «و سرگرم سخنی نشوید» ؛ یعنی به صحبت کردن ننشینید . ۲۰۳.صحیح البخاری (ـ به نقل از اَنَس ـ) : من داناترین مردم به این آیه (آیه حجاب) هستم. وقتی زینب ، دختر جحش را به خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آوردند، زینب ، با ایشان در اتاق بود. پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی مهیّا ساخت و مردم را دعوت کرد. مردم [پس از صرف غذا] به صحبت کردن نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله از اتاقْ بیرون می رفت و بر می گشت ؛ امّا آنها همچنان نشسته بودند و گپ می زدند . پس، خداوند متعال ، این آیه را فرو فرستاد: «ای کسانی که ایمان آورده اید ! داخل اتاق های پیامبر نشوید، مگر آن که برای [خوردنِ] غذایی به شما اجازه داده شود، [آن هم]بی آن که در انتظار پخته شدن آن باشید» تا جمله «از پسِ پرده» . پسِ پرده زده شد و افراد برخاستند و رفتند. ۲۰۴.صحیح البخاری (ـ به نقل از اَنَس ـ) : چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با زینب ، دختر جحش ازدواج کرد، مردم را دعوت نمود و آنها غذایشان را که خوردند ، به صحبت کردن نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله وانمود کرد که آماده بلند شدن است ؛ امّا افراد برنخاستند [که بروند] . پیامبر صلی الله علیه و آله چون چنین دید، برخاست . با برپای ایستادن ایشان ، بقیه هم برخاستند ، بجز سه نفر که همچنان نشسته بودند . پیامبر صلی الله علیه و آله آمد که داخل اتاق شود ؛ امّا دید که آن عدّه [، هنوز]نشسته اند. [برگشت]، آن افراد هم برخاستند و رفتند. من آمدم و به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادم که آنها رفتند . پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و وارد اتاق شد. من هم خواستم داخل شوم که پیامبر صلی الله علیه و آله ، پرده را میان من و خودش انداخت . آن گاه خداوند ، این آیه را فرو فرستاد: «ای کسانی که ایمان آورده اید ! داخل اتاق های پیامبر نشوید» تا آخر آیه .

نکته

گاه مهمان برای صرف یک وعده غذا ، در منزل میزبان حضور می یابد . روایات یاد شده ، ناظر به این دسته از مهمانان است و به آنها توصیه می کند که به منظور رعایت حال صاحب خانه ، ساعات حضور خود را محدود نمایند . از سوی دیگر ، برخی مهمانی ها به صورت طبیعی ، طولانی ترند و به چند وعده می انجامند . احادیث بعدی ـ که به این دسته از مهمانی ها نظر دارند ـ به مهمان توصیه می کنند که بیش از سه روز به حضور خود ادامه ندهند و باعث خستگی و آزرده حالی میزبان نشوند .

۲۰۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، یک روز و دو روز و سه روز است؛ بعد از آن ، صدقه ای است که به او (مهمان) می دهی.
۲۰۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است ؛ بیشتر از آن ، احسان است. ۲۰۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است ؛ بعد از آن هر چه بماند ، زکات برایش محسوب می شود.
۲۰۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است ؛ افزون بر آن ، صدقه است. ۲۰۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از مهمان تا سه روز باید به خوبی پذیرایی کرد. ۲۱۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان ، تا دو شب پذیرایی می شود . از شب سوم ، جزء اهل خانه به شمار می آید و هر چه به او رسید ، می خورَد . ۲۱۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پذیرایی از مهمان در شب اوّل، وظیفه ای است که بر عهده هر مسلمان گذاشته شده است . [در صورتی که میزبان این حق را ادا نکند] مهمان می توان آن را مطالبه کرده یا صرف نظر نماید . ۲۱۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است و بیشتر از آن ، صدقه است . مهمان نباید آن قدر نزد کسی بمانَد که او را به گناه و سختی بیندازد.
۲۱۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان نباید هرگاه بر قومی وارد می شود ، آنها را به ستوه بیاوَرَد . پس یا آنها را بیرون کند یا این که آنها ، او را بیرون کنند. ۲۱۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان نباید هرگاه بر قومی وارد می شود ، کاری کند که آنها را به ستوه بیاوَرَد یا آنها ، او را به ستوه بیاورند . ۲۱۵.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « هیچ یک از شما چندان نزد برادرش نمانَد که او را به گناه بیندازد » . گفته شد : ای پیامبر خدا ! چگونه او را به گناه می اندازد؟ فرمود : « تا جایی که چیزی برایش نماند که برای او خرج کند » . ۲
۲۱۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمان بر کسی که مهمانش می شود ، سه روز حق دارد و بیشتر از آن ، صدقه [و احسانی از جانب میزبان] محسوب می شود . و مهمان باید برود تا صاحب خانه را به گناه نیندازد .
۲۱۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مهمانی ، سه روز است . افزون بر آن ، صدقه است و مهمان ، بعد از سه روز باید برود.
---
1. در جامع الأخبار و بحار الأنوار ، همین گونه آمده است ، یعنی «فیُخرِجُهم أو یُخرِجوه» ؛ امّا ظاهرا درستش این است : « فیحرجهم أو یحرجوه » با حاء ؛ یعنی «پس آنها را به سختی و گناه بیندازد یا آنها او را» . 2. در این

شرایط ، ممکن است میزبان در اثر به زحمت افتادن ، سخنی بر زبان آورد و یا برخوردی با مهمان کند که پسندیده نباشد و گناه به شمار آید .

سخنی در باره به زحمت افتادن برای پذیرایی از مهمان

روایاتی که موضوع «تکلّف» یعنی به زحمت افتادن برای مهمان در آنها آمده ، به سه دسته تقسیم می شوند :
۱ . روایاتی که توصیه می کنند هنگامی که شخصی به مهمانی دعوت شد ، شایسته است پذیرفتن خود را به این مشروط کند که میزبان برای پذیرایی از او ، خود را به زحمت نیندازد . ۱
۲ . روایاتی که دلالت دارند بر این که تکلّف و به زحمت افتادن برای مهمان دعوت شده کاری شایسته و خداپسندانه است ؛ هر چند برای مهمان ناخوانده چنین ضرورتی وجود ندارد و پذیرایی از وی با هر آنچه فراهم است ، کفایت می کند . ۲
۳ . روایاتی که تکلّف را مورد نکوهش قرار داده اند. ۳
گفتنی است که این روایات ، با هم تعارضی ندارند و جمع مفهومیِ آنها
---
1. ر.ک : شرط کردن پرهیز از تکلف و تشریفات . 2. ر.ک : کوشیدن در پذیرایی از مهمان دعوت شده . 3. ر.ک : تشریفات مشقّت بار .

این است که از یک سو ، شایسته است که مهمان هنگام دعوت میزبان ، با او شرط کند که خود را به هیچ وجه به زحمت نیندازد و از سوی دیگر ، متقابلاً شایسته است که میزبان ، در حدّ توان ، برای گرامی داشتِ مهمانی که او را دعوت کرده ، تلاش کند ، البته نه به اندازه ای که سختیِ آن چنانی ای به خود یا خانواده خویش تحمیل کند که با حکمت مهمانی و نزدیک شدن دل ها منافات داشته باشد!

فصل پنجم : آنچه شایسته مهمان نیست

۲۱۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (ـ از سفارش های ایشان به علی علیه السلام ـ) : ای علی ! هشت نفرند که اگر خوار داشته شوند ، نباید کسی جز خود را سرزنش کنند : کسی که به مهمانی ای برود که به آن ، دعوت نشده است . . . . ۲۱۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بدون اجازه قومی ، بر خوراک آنان وارد شود ، دزد است . ۲۲۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بی دعوت وارد شود، دزدانه ، وارد شده و تاراجگر، خارج شده است . ۲۲۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس به مهمانی قومی برود ، بی آن که به آن دعوت شده باشد ، رفتنش گناه است و آنچه بخورد ، حرام است و چون خارج شود ، مورد خشم است
۲۲۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس غذایی را بخورد که به آن دعوت نشده است ، در واقع ، شعله آتشْ وارد شکم خود می کند.
۲۲۳.امام صادق علیه السلام :هر کس غذایی را بخورد که به آن دعوت نشده است، در حقیقت، تکّه ای از آتش خورده است . ۲۲۴.امام علی علیه السلام (ـ به مهمانی می رفت و می فرمود ـ) : [رفتن به] این [مهمانی] ، وظیفه کسی است که به آن دعوت شده است و هر کس بدون دعوت، به مهمانی ای برود ، کاری ناشایست کرده است .ر . ک : ص ۱۴۷ (آنچه شایسته مهمان نیست / دیگری را همراه بردن) .

نکته

قابل توجّه این که روایات پیش گفته ، تنها ناظر به رفتار کسانی است که به دنبال باخبر شدن از برپایی یک مهمانی ، بدون آن که برای حضور در آن محفل دعوت شوند ، به صورت مستقل و یا همراه مهمانِ دعوت شده ای در آن جا حضور می یابند . بر این اساس ، نکوهش وارد شده در این روایات ، رفت و آمدهای دوستانه ای را که بدون دعوت قبلی صورت می پذیرند ، شامل نمی گردد

۲۲۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پذیرفتن دعوت کسی که ثروتمندانْ در ولیمه اش حضور دارند، نه فقرا، شایسته نیست . ۲۲۶.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ یک از شما بر سفره غذای قومی که توانگرشان دعوت می شود و تهی دستشان دعوت نمی شود ، نباید حاضر شود. ۲۲۷.امام کاظم علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خوردن ولیمه ای که به توانگران اختصاص می یابد و فقرا در آن جایی ندارند، نهی فرمود.
۲۲۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدترین خوراک ، غذای ولیمه ای است که انسانِ سیر ، به آن دعوت می شود و شخص گرسنه ، از آنْ باز داشته می شود ! ۲۲۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدترین خوراک ، غذای ولیمه ای است که کسانی از آن منع می شوند [یعنی فقرا] که [معمولاً برای دعوت] به آن می آیند ، و کسانی به آن دعوت می شوند [یعنی ثروتمندان] که از آمدن به آن خودداری می ورزند ! ۲۳۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چگونه خواهی بود با ولیمه [آن گاه]که سیر را [به آن] دعوت می کنند و گرسنه را [از آن]می رانند؟ ۲۳۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بد خوراکی است خوراک ولیمه ؛ توانگران ، از آنْ اطعام می شوند و مستمندان را از آنْ باز می دارند ! ۲۳۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بد خوراکی است خوراک ولیمه ؛ توانگران ، به آن دعوت می شوند، و تهی دستان ، از آن منع می گردند ! ۲۳۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش ولیمه ای است، ولیمه ای که فقیر و شریف و فرومایه و آزاد و برده ، از آن بخورند ! ۲۳۴.امام علی علیه السلام (ـ از نامه ایشان به عثمان بن حُنَیف انصاری که کارگزار او در بصره بود و خبردار شد که وی به ولیمه قومی از بصریان دعوت شده و به آن مهمانی رفته است ـ) : امّا بعد، ای پسر حُنَیف ! به من خبر رسیده است که مردی از جوانان بصره ، تو را به مهمانی ای دعوت کرده و تو به آن شتافته ای و خوراک های رنگارنگ و کاسه های بزرگ در برابرت نهاده اند. گمان نمی کردم به مهمانی گروهی بروی که نیازمندشان رانده می شود و توانگرشان دعوت می گردد !

۲۳۵.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعوت دو کس را که [هم زمان] برای همچشمی ، مهمانی می دهند ، نباید پذیرفت و غذایشان را نباید خورد. ۲۳۶.سنن أبی داوود (ـ به نقل از ابن عبّاس ـ) : پیامبر صلی الله علیه و آله از خوردن غذای دو کس که همچشمی می کنند ، نهی فرمود. ۲۳۷.حلیة الأولیاء (ـ به نقل از ابن عبّاس ـ) : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خوردن غذای کسانی که برای فخرفروشی به دیگران غذا می دهند ، نهی فرمود.

۲۳۸.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :دعوت هر مسلمانى را تا زمانى كه ساز و آواز راه نيندازند، بپذير ؛ پس اگر ساز و آواز به راه انداختند، دعوتشان را قبول مكن.

۲۳۹.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :اگر مشركى يا منافقى مرا به [خوردن] شترى هم مهمانى كند ، دعوتش را نمى پذيرم و اين ، از دين است . خداوند عز و جل به من رضايت نداده است كه عطاى مشركان و منافقان و خوراک آنان را بپذيرم ! ۲۴۰.المعجم الكبير (ـ به نقل از عمران بن حصين ـ) : پيامبر خدا صلى الله عليه و آله از پذيرفتن مهمانيِ فاسقانْ نهى فرمود.

۲۴۱.امام صادق علیه السلام :مؤمن ، از برادرش رو در بایستی ندارد و معلوم نیست که کدام یک عجیب ترند: آن که هرگاه بر برادرش وارد می شود ، او را ناچار می سازد که برایش به زحمت بیفتد؟ یا آن که خودش را برای برادرش به سختی می اندازد؟ ۲۴۲.امام زین العابدین علیه السلام :روزی سلمان ، ابو ذر را به مهمانی فرا خوانْد . آن گاه تکّه نان خشکی از کیسه اش درآورد و آن را از ظرف آبی که داشت ، خیس کرد و جلوی ابو ذر گذاشت. ابو ذر گفت: چه نان خوش مزه ای می شد ، اگر قدری نمک هم با آن بود! سلمان برخاست و بیرون رفت و ظرف آبش را گرو گذاشت و نمک گرفت و آورد. ابوذر ، نمک بر آن نان می پاشید و می خورد و می گفت: سپاس خدایی را که این قناعت ، روزیِ ما کرد ! سلمان گفت: اگر قناعتی بود ، ظرف آبم به گرو نمی رفت!

۲۴۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد، فرزندش را هم به دنبال خود راه نیندازد ؛ که اگر چنین کند ، مرتکب حرام شده و با نافرمانی ، وارد [مهمانی] شده است . ۲۴۴.دعائم الإسلام:پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که کسی ، غیر خود را از غذایی که به آن دعوت شده است، بخورانَد ، مگر آن که به او اجازه این کار داده شود. ۲۴۵.مکارم الأخلاق (ـ در نهی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله از بی دعوتْ به مهمانی رفتن ـ) : یکی از خانواده های مدینه ، غذایی درست کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله و پنج تن از یارانش را دعوت نمودند . پیامبر صلی الله علیه و آله دعوتشان را پذیرفت. در بین راه ، نفر ششمی به آنها رسید و همراهشان شد . نزدیک منزل آن خانواده که رسیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله به آن نفر ششم فرمود : « اینها تو را دعوت نکرده اند. پس بنشین تا آمدن تو را به آنها خبر بدهیم و برایت اجازه بگیریم »

۲۴۶.صحیح البخاری (ـ به نقل از ابو مسعود ـ) : مردی از انصار ، ملقّب به ابو شعیب آمد و به غلامش ـ که قصّاب بود ـ گفت : برایم غذایی به اندازه پنج نفر درست کن؛ چون می خواهم با پیامبر صلی الله علیه و آله ، پنج نفر را دعوت کنم ؛ چرا که در چهره ایشان گرسنگی می بینم . پس آنها را دعوت کرد ؛ امّا یک نفر دیگر هم با آنها آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « این هم به دنبال ما آمد . اگر اجازه می دهی بماند، وگرنه برگردد » . ابو شعیب گفت : نه ، اجازه می دهم .ر . ک : ص ۱۳۷ (آنچه شایسته مهمان نیست / شرکت کردن بدون دعوت در مهمانی دیگران) .

۲۴۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما مهمان قومی شد ، نباید روزه بگیرد ، مگر با اجازه آنها . ۲۴۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مهمان قومی شد ، نباید روزه مستحبّی بگیرد ، مگر با اجازه آنها . ۲۴۹.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از فهمیدگی مهمان است که روزه مستحبّی نگیرد ، مگر با اجازه میزبان . . . در غیر این صورت ، آن مهمان ، آدم نادانی است . ۲۵۰.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه مردی وارد شهری شد ، مهمان ساکنان آن شهر از همدینان خویش است تا زمانی که از پیش آنان برود . و برای مهمان، سزاوار نیست که روزه بگیرد ، مگر با اجازه میزبانان ، مبادا که غذایی درست کنند و خراب بشود . برای آنها نیز سزاوار نیست روزه بگیرند ، مگر با اجازه مهمان ، مبادا که مهمان از آنها خجالت بکشد و غذا بخواهد ؛ ولی به خاطر [رعایت حال]آنها ، از خوردنْ خودداری کند

۲۵۱.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس آنچه را که برادرش جلوی او می گذارد ، کوچک بشمارد ، پیوسته شب و روزش در خشم خداست . ۲۵۲.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هلاک باد آن قومی که آنچه را در برابرشان نهاده می شود ، کوچک و بی مقدار می شمارند ! ۲۵۳.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در بدیِ آدمی ، همین بس که از آنچه در برابرش می نهند ، ناراضی باشد ! ۲۵۴.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در اسرافکاریِ آدمی ، همین بس که از آنچه جلوی او می گذارند ، ناراحت شود ! ۲۵۵.امام صادق علیه السلام :هلاک باد آن مرد مسلمانی که برادرش آنچه را دارد ، برایش می آورد ، امّا او آن را اندک می شمارد ! ۲۵۶.الکافی (ـ به نقل از صفوان بن یحیی ـ) : عبد اللّه بن سنان به خانه ام آمد و گفت : آیا در خانه ، چیزی [برای خوردن] داری؟ گفتم: آری . سپس یک درهم به پسرم دادم و او را فرستادم که گوشت و تخم مرغ بخرد. عبد اللّه گفت: پسرت را کجا فرستادی؟ موضوع را به او گفتم. عبد اللّه گفت : اورا باز گردان ، اورا باز گردان ! روغن در خانه داری ؟ گفتم : آری . گفت: همان را بیاور؛ زیرا از امام صادق علیه السلام شنیده ام که می فرماید : « هلاک است مردی که آنچه را جلوی برادرش می گذارد ، ناقابل شمارد ! و هلاک است مردی که آنچه را برادرش جلوی او می گذارد ، ناقابل شمارد » .

ر . ک : ص ۸۷ (آنچه شایسته میزبان نیست / ناقابل شمردن امکانات پذیرایی) .

۲۵۷.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه بر برادر مسلمانت وارد شدی و غذایی به تو داد ، بخور و از [حلال بودن] آن مپرس و هرگاه نوشیدنی به تو داد، آن را بنوش و در باره [حلال بودن] آن پرس و جو مکن . ۲۵۸.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرگاه یکی از شما بر برادر مسلمانش وارد شد و به او غذایی داد، باید از غذایش بخورد و در باره آن از او نپرسد و اگر نوشیدنی به او نوشانْد ، از نوشیدنی اش بنوشد و در باره [حلال بودن] آن ، از او پرس و جو نکند.

١ . الاحتجاج على ا?هل اللجاج ، أحمد بن على الطَّبَرسى (م ۶٢٠ ق) ، تحقيق : إبراهيم البهادرى ومحمّد هادى به ، تهران : دار الأُسوة ، ١۴١٣ ق ، اوّل .
٢ . الاختصاص ، المنسوب إلى محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ۴١٣ ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، ١۴١۴ ق ، چهارم .
٣ . الإخوان ، عبد اللّه بن محمّد القُرشى (ابن أبى الدنيا) (م ٢٨١ ق) ، تحقيق : محمّد عبد الرحمان طوالية ، قاهره : دار الاعتصام ، ١٩٨٨ م .
۴ . ا?دب الإملاء و الاستملاء ، عبد الكريم بن محمّد السمعانى (م ۵۶٢ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ١۴٠١ ق ، اوّل.
۵ . الأدب المفرد ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ٢۵۶ ق) ، تحقيق : محمّد بن عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّة .
۶ . اءرشاد القلوب ، الحسن بن أبى الحسن الديلمى (م ٧١١ ق) ، بيروت : مؤسسة الأعلمى ، ١٣٩٨ ق ، چهارم .
٧ . أُسد الغابة فى معرفة الصحابة ، على بن أبى الكرم محمّد الشيبانى (ابن الأثير الجَزَرى) (م ۶٣٠ ق) ، تحقيق : على محمّد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ١۴١۵ق ، اوّل.
٨ . الإصابة فى تمييز الصحابة ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م ٨۵٢ ق) ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمّد معوّض ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ١۴١۵ ق ، اوّل.
٩ . الأُصول الستّة عشر ، عدّة من الرواة ، قم : دار الشبسترى ، ١۴٠۵ ق ، دوم .
١٠ . الأمالى ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶٠ ق) ، تحقيق : مؤسسة البعثة ، قم : دار الثقافة ، ١۴١۴ ق ، اوّل.
١١ . الأمالى ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ۴١٣ ق) ، تحقيق : حسين أُستاد ولى و على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، ١۴٠۴ ق ، دوم .
١٢ . الأمالى ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : مؤسسة البعثة ، قم : مؤسسة البعثة ، ١۴٠٧ ق ، اوّل.
١٣ . الإمامة و التبصرة من الحيرة ، على بن الحسين ابن بابويه القمّى (الصدوق الأوّل) (م ٣٢٩ ق) ، تحقيق : محمّد رضا الحسينى ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، ١۴٠٧ ق ، اوّل .
١۴ . امثال وحكم ، على اكبر دهخدا (م ١٣٢۴ ش) ، تهران : امير كبير ،

۱۳۳۸ ـ ۱۳۳۹ ش .
۱۵ . بحار الأنوار الجامعة لدرر ا?خبار الأئمّة الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلّامة المجلسى) (م ۱۱۱۱ ق) ، بيروت : مؤسسة الوفاء ، ۳ ۱۴۰ ق ، دوم .
۱۶ . تاريخ ا?صبهان ، أحمد بن عبد اللّه الإصفهانى (أبو نعيم) (م ۴۳۰ ق) ، تحقيق : سيّد كسروى حسن ، بيروت : دار الكتب العلميّة .
۱۷ . تاريخ بغداد ا?و مدينة السلام ، أحمد بن على الخطيب البغدادى (م ۴۶۳ ق) ، مدينه : المكتبة السلفيّة .
۱۸ . تاريخ دمشق ، على بن الحسن بن هبة اللّه الدمشقى (ابن عساكر) (م ۵۷۱ ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۵ ق ، اوّل.
۱۹ . التاريخ الكبير ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ۲۵۶ ق) ، بيروت : دار الفكر .
۲۰ . تاريخ اليعقوبى ، أحمد بن أبى يعقوب (ابن واضح اليعقوبى) (م ۲۸۴ ق) ، بيروت : دار صادر .
۲۱ . تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة (كنز جامع الفوائد) ، على الغروى الحسينى الإسترآبادى (م ۹۴۰ ق) ، تحقيق : مدرسة الإمام المهدى (عج) ، قم : مدرسة الإمام المهدى(عج) ، ۷ ۱۴۰ ق ، اوّل.
۲۲ . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله ، الحسن بن على الحَرّانى (ابن شُعبة) (م ۳۸۱ ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، ۴ ۱۴۰ ق ، دوم .
۲۳ . تفسير العيّاشى ، محمّد بن مسعود السُّلَمى السمرقندى (العيّاشى) (م ۳۲۰ ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، تهران : المكتبة العلميّة ، ۱۳۸۰ ق ، اوّل .
۲۴ . تفسير فرات الكوفى ، فرات بن إبراهيم الكوفى (ق ۴ ق) ، به كوشش : محمّد الكاظم المحمودى ، تهران : وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى ، ۱۴۱۰ ق ، اوّل.
۲۵ . تفسير القمّى ، على بن إبراهيم القمّى (م ۳۰۷ ق) ، به كوشش : السيّد طيّب الموسوى الجزائرى ، نجف : مطبعة النجف الأشرف
۲۶ . التفسير المنسوب الى الاءمام العسكرى عليه السلام ، تحقيق : مدرسة الإمام المهدى(عج) ، قم : مدرسة الإمام المهدى(عج) ، ۹ ۱۴۰ق ، اوّل.
۲۷ . تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعة ورّام) ، ورّام بن أبى فراس الحَمدان (م ۶۰۵ ق) ، بيروت : دار التعارف و دار صعب .
۲۸ . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعة ، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ۴۶۰ ق) ، بيروت : دار التعارف ، ۱۴۰۱ ق ، اوّل.
۲۹ . تهذيب الكمال فى ا?سماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمان المِزّى (م

٧۴٢ ق) ، تحقيق : بشّار عوّاد معروف ، بيروت : مؤسسة الرسالة ، ١۴٠٩ ق ، اوّل.
٣٠ . جامع الأحاديث ، جعفر بن أحمد القمّى (ابن الرازى) (ق ۴ ق) ، تحقيق : السيّد محمّد الحسينى النيسابورى ، مشهد : مؤسسة الطبع و النشر التابعة للحضرة الرضويّة المقدّسة ، ١۴١٣ ق ، اوّل.
٣١ . جامع الأخبار ا?و معارج اليقين فى أصول الدين ، محمّد بن محمّد الشَّعيرى السبزوارى (ق ٧ ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، ١۴١۴ ق ، اوّل.
٣٢ . الجعفريّات (الأشعثيّات) ، محمّد بن محمّد بن الأشعث الكوفى (ق ۴ ق) ، تهران : مكتبة نينوى (طبع شده به ضميمه : قرب الإسناد) .
٣٣ . حلية الأولياء و طبقات الأصفياء ، أحمد بن عبد اللّه الأصبهانى (أبو نعيم) (م ۴٣٠ ق) ، بيروت : دار الكتاب العربى ، ١٣٨٧ ق ، دوم .
٣۴ . الخرائج و الجرائح ، سعيد بن هبة اللّه الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م ۵٧٣ ق) ، تحقيق : مؤسسة الإمام المهدى(عج) ، قم : مؤسسة الإمام المهدى(عج) ، ١۴٠٩ ق ، اوّل .
٣۵ . الخصال ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، ١۴١۴ ق ، چهارم .
٣۶ . دانش نامه ميزان الحكمة ، محمّد رى شهرى ، قم : دار الحديث ، اوّل .
٣٧ . درر واللالى من مجالس الأمالى ، من تراث ثقة الشيعة الشيخ الصدوق ، فقيه الشيعة الشيخ المفيد ، علم الشيعة الشيخ الطوسى ، تحقيق : محسن عقيل ، قم : دار الكتاب الاسلامى ، ١۴٢۵ ق .
٣٨ . الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، عبد الرحمان بن أبى بكر السيوطى (م ٩١١ ق) ، بيروت : دار الفكر ، ١۴١۴ ق ، اوّل.
٣٩ . دعائم الاءسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، النعمان بن محمّد التميمى المغربى (القاضى أبو حنيفة) (م ٣۶٣ ق) ، تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، مصر : دار المعارف ، ١٣٨٩ ق ، سوم .
۴٠ . الدعوات ، سعيد بن هبة اللّه الراوندى (قطب الدين الراوندى) (م ۵٧٣ ق) ، تحقيق : مؤسسة الإمام المهدى (عج) ، قم : مؤسسة الإمام المهدى(عج) ، ١۴٠٧ ق ، اوّل.
۴١ . الديوان المنسوب اءلى الإمام على عليه السلام ، محمّد بن حسن الكيدرى ، تحقيق : أبو القاسم الإمامى ، تهران : اسوه ، ١٣٧۵ ش ، دوم .
۴٢ . ربيع الأبرار و نصوص الأخبار ، محمود بن عمر الزمخشرى (م ۵٣٨ ق) ، تحقيق : سليم النعيمى ، قم : منشورات الشريف الرضى ، ١۴١٠ ق ، اوّل.
۴٣ . روضة الواعظين ، محمّد بن الحسن الفتّال النيسابورى (م ۵٠٨ ق) ،

تحقيق : حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسة الأعلمى ، ۱۴۰۶ ق ، اوّل .
۴۴ . الزهد ، هناد بن السرى الكوفى (م ۲۴۳ ق) ، تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الجبار الفريوانى ، صباحيه : دار الخلفاء ، ۱۴۰۶ ق ، اوّل .
۴۵ . الزهد ، أحمد بن محمّد الشيبانى (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق) ، بيروت : دار الكتب العلمية .
۴۶ . سنن ابن ماجة ، محمّد بن يزيد القزوينى (ابن ماجة) (م ۲۷۵ ق) ، تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، بيروت : دار إحياء التراث ، ۱۳۹۵ ق ، اوّل.
۴۷ . سنن ا?بى داوود ، سليمان بن أشعث السِّجِستانى الأزدى (م ۲۷۵ ق) ، تحقيق : محمّد محيى الدين عبد الحميد ، بيروت : دار إحياء السنّة النبويّة .
۴۸ . سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، محمّد بن عيسى الترمذى (أبو عيسى) (م ۲۷۹ ق) ، تحقيق : أحمد محمّد شاكر ، بيروت : دار إحياء التراث .
۴۹ . سنن الدارمى ، عبد اللّه بن عبد الرحمان الدارمى (م ۲۵۵ ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار القلم ، ۱۴۱۲ ق ، اوّل.
۵۰ . السنن الكبرى ، أحمد بن الحسين البيهقى (م ۴۵۸ ق) ، تحقيق : محمّد عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ۱۴۱۴ ق ، اوّل.
۵۱ . السنن الكبرى ، أحمد بن شعيب النسائى (م ۳۰۳ ق) ، تحقيق : عبد الغفار سليمان البُندارى ، بيروت : دار الكتب العلمية ، ۱۴۱۱ ق ، اوّل.
۵۲ . سنن النسائى بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشية الاءمام السِّندى ، أحمد بن شعيب النسائى (م ۳۰۳ ق) ، بيروت : دار الجيل ، ۱۴۰۷ ق ، اوّل .
۵۳ . شُعب الإيمان ، أحمد بن الحسين البيهقى (م ۴۵۸ ق) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونى زغلول ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ۱۴۱۰ ق ، اوّل
۵۴ . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ، عبيد اللّه بن عبد اللّه النيسابورى (الحاكم الحَسَكانى) (ق ۵ ق) ، تحقيق : محمّد باقر المحمودى ، تهران : مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى ، ۱۴۱۱ ق ، اوّل .
۵۵ . الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربيّة) ، إسماعيل بن حمّاد الجوهرى (م ۳۹۸ ق) ، تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطّار ، بيروت : دار العلم للملايين ، ۱۴۱۰ ق ، چهارم .
۵۶ . صحيح ابن حبّان بترتيب ابن بلبان ، محمّد بن أحمد بن حِبّان (م ۳۵۴ ق) ، ترتيب : على بن بلبان الفارسى (م ۷۳۹ ق) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسة الرسالة ، ۱۴۱۴ ق ، دوم .
۵۷ . صحيح البخارى ، محمّد بن إسماعيل البخارى (م ۲۵۶ ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار ابن كثير ، ۱۴۱۰ ق ، چهارم .
۵۸ . صحيح مسلم ، مسلم بن الحَجّاج القشيرى النيسابورى (م ۲۶۱ ق) ،

تحقيق : محمّد فؤاد عبد الباقى ، قاهره : دار الحديث ، ١٤١٢ ق ، اوّل.
٥٩ . الطبقات الكبرى ، محمّد بن سعد (كاتب الواقدى) (م ٢٣٠ ق) ، بيروت : دار صادر .
٦٠ . علل الشرائع ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، بيروت : دار إحياء التراث ، ١٤٠٨ ق ، اوّل.
٦١ . عوالى اللآلى العزيزيّة فى الأحاديث الدينيّة ، محمّد بن على الأحسائى (ابن أبى جمهور) (م ٩٤٠ ق) ، تحقيق : مجتبى العراقى ، قم : مطبعة سيّد الشهداء عليه السلام ، ١٤٠٣ ق ، اوّل.
٦٢ . عيون ا?خبار الرضا عليه السلام ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الحسينى اللاجوردى ، تهران : جهان .
٦٣ . عيون الحكم و المواعظ ، على بن محمّد الليثى الواسطى (ق ٦ ق) ، تحقيق : حسين الحسنى البيرجندى ، قم : دار الحديث ، ١٣٧٦ ش ، اوّل.
٦٤ . الغارات ، إبراهيم بن محمّد (ابن هلال الثقفى) (م ٢٨٣ ق) ، تحقيق : مير جلال الدين المحدّث الأُرموى ، تهران : انجمن آثار ملّى ، ١٣٩٥ ق ، اوّل.
٦٥ . غرر الحكم ودرر الكلم ، عبد الواحد الآمِدى التميمى (م ٥٥٠ ق) = ترجمه و شرح غرر الحكم .
٦٦ . فتح البارى شرح صحيح البخارى ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق) ، تحقيق : عبد العزيز بن عبد اللّه بن باز ، بيروت : دار الفكر ، ١٣٧٩ ق ، اوّل .
٦٧ . الفردوس بمأثور الخطاب ، شيرويَة بن شهردار الديلمى الهَمَدانى (م ٥٠٩ ق) ، تحقيق : محمّد السعيد بسيونى زغلول ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ١٤٠٦ ق ، اوّل.
٦٨ . فص الخواتم فيما قيل فى الولائم ، شمس الدين محمّد بن على بن طولون الدمشقى الصالحى (م ٩٥٣ ق) ، تحقيق : نزار اباظه ، دمشق : دار الفكر ، ١٤٠٣ ق .
٦٩ . فقه الرضا (الفقه المنسوب الى الإمام الرضا عليه السلام) ، تحقيق : مؤسّسة آل البيت عليهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام ، ١٤٠٦ ق ، اول .
٧٠ . قرب الإسناد ، عبداللّه بن جعفر الحِمْيرى القمّى (م بعد از ٣٠٤ ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، ١٤١٣ ق ، اوّل.
٧١ . قرئ الضيف ، ابو بكر عبد اللّه محمّد بن سفيان بن أبى الدنيا القرشى البغداد (م ٢٨١ ق) ، تحقيق : عبد اللّه بن حمد المنصور ، رياض : أضواء السلف ، ١٤١٨ ق .

٧٢ . قصص الأنبياء ، سعيد بن هبة اللّه (قطب الدين الراوندى) (م ٥٧٣ ق) تحقيق : غلامرضا عرفانيان ، مشهد : مجمع البحوث الإسلاميّة التابع لمؤسسة الآستانة الرضويّة ، ١٤٠٩ ق ، اوّل.
٧٣ . الكافى، محمّد بن يعقوب الكلينى الرازى (م ٣٢٩ ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، بيروت : دار صعب و دار التعارف ، ١٤٠١ ق ، چهارم .
٧٤ . كتاب من لا يحضره الفقيه ، محمّد بن على ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، دوم .
٧٥ . كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة ، على بن عيسى الإربلى (م ٦٨٧ ق) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى ، بيروت : دار الكتاب ، ١٤٠١ ق ، اوّل.
٧٦ . كنز العمّال فى سنن الأقوال و الأفعال ، على المتّقى بن حسام الدين الهندى (م ٩٧٥ ق) ، تصحيح : صفوة السقّا ، بيروت : مكتبة التراث الإسلامى ، ١٣٩٧ ق ، اوّل.
٧٧ . لبّ اللباب ، محمّد جعفر شريعتمدار الإسترآبادى (م ١٢٦٣ ق) ، تحقيق : محمّد حسين مولوى (منتشر شده در : ميراث حديث شيعه ، دفتر دوم ، قم : دارالحديث ، ١٣٧٨ ش) .
٧٨ . لسان العرب ، محمّدبن مُكرَّم المصرى الأنصارى (ابن منظور) (م ٧١١ ق) ، بيروت : دار صادر ، ١٤١٠ ق ، اوّل.
٧٩ . لغت نامه ، على اكبر دهخدا و ديگران ، تهران : دانشگاه تهران ، ١٣٧٣ ش .
٨٠ . مجمع البحرين ، فخر الدين الطُّرَيحى (م ١٠٨٥ ق) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسينى ، تهران : مكتبة نشر الثقافة الإسلاميّة ، ١٤٠٨ ق ، دوم .
٨١ . مجمع البيان فى تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان) ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسى (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلّاتى و السيّد فضل اللّه اليزدى الطباطبائى ، بيروت : دار المعرفة ، ١٤٠٨ ق ، دوم .
٨٢ . المحاسن ، أحمد بن محمّد البرقى القمىّ (م ٢٨٠ ق) ، تحقيق : السيّد مهدى الرجائى ، قم : المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام ، ١٤١٣ ق ، اوّل.
٨٣ . المحجّة البيضاء فى تهذيب الإحياء ، محمّدمحسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م ١٠٩١ ق) ، تصحيح : على أكبر الغفارى ، قم : جماعة المدرّسين فى الحوزة العلمية ، ١٣٨٣ ق .
٨٤ . مرآة العقول فى شرح ا?خبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلّامه المجلسى) (م ١١١١ ق) ، تحقيق : السيّد هاشم الرسولى المحلاتى ، تهران : دار الكتب الإسلاميّة ، ١٣٧٠ ش ، سوم .

٨٥ . مسائل على بن جعفر ومستدركاتها ، على بن جعفر الحسينى العلوى الهاشمى العُريضى (م ٢١٠ ق) تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، مشهد : المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام ، ١٤٠٩ ق ، اوّل.
٨٦ . المستدرک على الصحيحين ، محمّد بن عبد اللّه الحاكم النيسابورى (م ٤٠٥ ق) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ١٤١١ ق ، اوّل.
٨٧ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، ميرزا حسين النورى الطَبَرسى (م ١٣٢٠ ق) ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، ١٤٠٧ ق ، اوّل.
٨٨ . مسند ابن جعد ، على بن الجعد الجوهرى (م ٢٣٠ ق) ، بيروت : مؤسسّة ناور ، ١٤١٠ ق .
٨٩ . مسند ا?بى يعلى الموصلى ، أحمد بن على التميمى الموصلى (أبو يعلى) (م ٣٠٧ ق) ، تحقيق : إرشاد الحقّ الأثرى ، جدّه : دار القبلة ، ١٤٠٨ ق ، اوّل.
٩٠ . مسند أحمد بن حنبل ، أحمد بن محمّد الشيبانى (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق) ، تحقيق : عبد اللّه محمّد الدرويش ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٤ ق ، دوم .
٩١ . مسند الحميدى ، عبد اللّه بن الزبير الحميدى (م ٢١٩ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، مدينه : المكتبة السلفيّة .
٩٢ . مسند الشِّهاب ، محمّد بن سلامة القُضاعى (القاضى) (م ٤٥٤ ق) ، بيروت : مؤسسة الرسالة .
٩٣ . مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار ، على بن الحسن الطَّبْرِسى (ق ٧ ق) ، تحقيق : مهدى هوشمند ، قم : دار الحديث ، ١٤١٨ ق ، اوّل.
٩٤ . مصادقة الإخوان ، محمّد بن علىّ ابن بابويه القمّى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق) ، تحقيق: مؤسّسة الامام المهدى (عج) ، قم: مدرسة الامام المهدى (عج) ، ١٤١٠ ق .
٩٥ . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أحمد بن محمّد الفيّومى (م ٧٧٠ ق) ، قم : مؤسسة دار الهجرة ، ١٤١٤ ق ، دوم .
٩٦ . المصنّف ، عبد الرزّاق بن همّام الصنعانى (م ٢١١ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، بيروت : منشورات المجلس العلمى .
٩٧ . المصنّف فى الأحاديث و الآثار ، عبد اللّه بن محمّد العبسى الكوفى (ابن أبى شيبة) (م ٢٣٥ ق) ، تحقيق : سعيد محمّد اللحّام ، بيروت : دار الفكر
٩٨ . المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية ، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق) ، تحقيق : حبيب الرحمان الأعظمى ، بيروت : دار المعرفة ، ١٤١٤ ق ، اوّل.
٩٩ . المعجم الأوسط ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م ٣٦٠ ق) ،

تحقيق : طارق بن عوض اللّه وعبد الحسن بن إبراهيم الحسينى ، قاهره : دار الحرمين ، ١۴١۵ ق .
١٠٠ . المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (م ٣۶٠ ق) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، بيروت : دار إحياءالتراث العربى ، ١۴٠۴ ق ، دوم .
١٠١ . معجم مقاييس اللغة ، أحمد بن فارس الرازى (م ٣٩۵ ق) ، تحقيق : عبد السّلام محمّد هارون . مصر : شركة مكتبة مصطفى البابى و أولاده .
١٠٢ . مفردات الفاظ القرآن ، حسين بن محمّد الراغب الإصفهانى (م ۴٢۵ ق) ، تحقيق : صفوان عدنان داوودى ، بيروت : دار القلم ، ١۴١٢ ق ، اوّل.
١٠٣ . مكارم الأخلاق ، الفضل بن الحسن الطَّبْرِسى (أمين الإسلام) (م ۵۴٨ ق) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسة النشر الإسلامى ، ١۴١۴ ق ، اوّل.
١٠۴ . مكارم الأخلاق ، عبد اللّه بن محمّد القرشى (ابن أبى الدنيا) (م ٢٨١ ق) ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، ١۴٠٩ق .
١٠۵ . مكارم الأخلاق ومعاليها ومحمود طرائفها ، محمّد بن جعفر الخرائطى (م ٣٢٧ ق) ، تحقيق : أمين عبد الجابر البحيرى ، قاهره : دار الآفاق العربيّة ، ١۴١٩ ق ، اوّل .
١٠۶ . مناقب آل ا?بى طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمّد بن على المازندرانى (ابن شهرآشوب) (م ۵٨٨ ق) ، قم : المطبعة العلميّة .
١٠٧ . المنتخب من مسند عبد بن حُمَيد ، عبد بن حُمَيد (م ٢۴٩ ق) ، تحقيق : السيّد صبحى البدرى السامرائى ومحمود محمّد خليل الصعيدى ، قاهره : مكتبة السنّة ، ١۴٠٨ ق ، اوّل.
١٠٨ . موارد الظمآن الى زوائد ابن حبان ، لنورالدين على بن ابى بكر الهيثمى (م ٨٠٧) ، تحقيق : عبدالرزاق حمزة ، دارالكتب العلمية ـ بيروت .
١٠٩ . النوادر ، فضل اللّه بن على الحسنى الراوندى (م ۵٧١ ق) ، تحقيق : سعيد رضا على عسكرى ، قم : دار الحديث ، ١٣٧٧ش ، اوّل.
١١٠ . النوادر (مستطرفات السرائر) ، محمّد بن أحمد بن إدريس الحلى (ابن إدريس) (م ۵٩٨ق) ، تحقيق : مؤسسة الإمام المهدى(عج) ، قم : مدرسة الإمام المهدى(عج) ١۴٠٨ق ، اوّل.
١١١ . النهاية فى غريب الحديث و الأثر ، مبارک بن محمّد الجَزَرى (ابن الأثير) (م ۶٠۶ ق) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوى ، قم : مؤسسة إسماعيليان ، ١٣۶٧ش ، چهارم .
١١٢ . نهج البلاغة من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، جمع و تدوين : السيّد محمّد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (م ۴٠۶ ق) ، ترجمه : سيّد جعفر شهيدى ، تهران : علمى و فرهنگى ، ١٣٧٨ش ، چهاردهم .

١١٣ . الوافى ، محمّدمحسن بن شاه مرتضى الكاشانى (الفيض الكاشانى) (م ١٠٩١ ق) ، تحقيق : ضياء الدين حسين اصفهانى ، اصفهان : مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام ، ١٤٠٦ ق .
١١٤ . وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة ، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى (م ١١٠٤ ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، ١٤٠٩ ق ، اوّل.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹